

نقش ارتقای سطح امید، مشارکت و نشاط اجتماعی با تمرکز بر جامعه نخبگان کشور در پیشگیری از اعتیاد

علی محمدی^۱، حکیم سحافی^۲

چکیده

زمانی که مردم جامعه‌ای از امید و نشاط اجتماعی برخوردار باشند، وفاق، همبستگی، تعلق اجتماعی، تعاملات اجتماعی مطلوب، مشارکت، رضایت از زندگی و همچنین سلامت روانی و اجتماعی افراد افزایش می‌یابد. بنابراین، آسیب‌های اجتماعی و مهاجرت کاهش و انگیزه برای کار و تلاش در جامعه افزایش می‌یابد. مطالعه حاضر با هدف بررسی مفاهیم امید، نشاط و مشارکت اجتماعی به عنوان عوامل پیشگیرانه و ارائه راهکارهای ارتقای مشارکت اجتماعی و احساس مفید بودن نخبگان کشور در راستای پیشگیری از اعتیاد انجام شد. این پژوهش از نوع مروری - کتابخانه‌ای و با استناد به مبانی نظری و پژوهشی پیشین انجام شده است. ابتدا، ابعاد جامعه‌شناختی و روان‌شناختی مفهوم امید، مشارکت اجتماعی، نشاط اجتماعی و عوامل اجتماعی موثر (مانند پیوندهای اجتماعی، اعتماد اجتماعی، همبستگی و انسجام محله‌ای) مرور شده است. سپس بر اساس مباحث نظری و پیشینه پژوهشی، مدل مفهومی پیشنهاد شد. همسو با دیگر تحقیقات انجام شده در کشور، می‌توان نتیجه گرفت که بین نشاط، امید، مشارکت اجتماعی و بهره‌مندی از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های جوانان و نخبگان کشور با آسیب‌های اجتماعی در جامعه ایرانی رابطه معکوس وجود دارد. ارتقاء سطح امید، نشاط و مشارکت اجتماعی به عنوان یک عامل اساسی پیشگیرانه، در رویکردی سیستمی (طرح کلی) صورت می‌گیرد. در این رویکرد به منظور پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و مهاجرت نخبگان، پیشنهاداتی در جهت افزایش روحیه مشارکت شهروندان به طور عام و جامعه نخبگان کشور به طور خاص و ارتقاء سطح امید و نشاط اجتماعی ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: امید اجتماعی، نشاط اجتماعی، مشارکت اجتماعی، جامعه نخبگان، آسیب‌های اجتماعی

۱. نویسنده مسئول: کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. پست الکترونیک:

mohammadi9631@gmail.com

۲. کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

مقدمه

یکی از مسائلی که در تأمین بهداشت روانی فرد مؤثر است، امیدواری است. امید می‌تواند به هنگام گرفتاری به فرد کمک کند، همان گونه که فعالیت و پیروزی افراد در موقعیت‌های دشوار و ظاهراً غیر ممکن، موجب تقویت روحیه آنان می‌شود. مبحث امید در حوزه روان‌شناسی، سال‌ها مورد بی‌توجهی قرار گرفته بود. با اینکه ایده امید از آغاز آفرینش آدمی وجود داشته است، بررسی علمی آن پیشینه‌ی چندان طولانی ندارد. در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰، امید به شکل رسمی و با رویکردی علمی بررسی شد و برخی افراد مانند فرانک و سمینتون^۱ به این نتیجه رسیدند که چنانچه افکار و هیجان‌های منفی، موجب تضعیف سلامت روان شوند، می‌توان از فرایندهای مثبتی مانند امید به عنوان متغیری برای افزایش سلامت روان انسان‌ها استفاده کرد. پژوهشگران، متوجه شده‌اند که مردم در کشورهای گوناگون، شیوه‌های متفاوتی از جمله گوش دادن به موسیقی، صحبت با یک دوست، پیاده‌روی، تلاش برای رفع مشکل، مشارکت در امور اجتماعی، خوردن، عبادت، نماز و خرید را برای تغییر خلقشان به کار می‌برند (به نقل از لانگ، بردلی و کاتبرت^۲، ۲۰۰۵). همین هیجان‌ات که محصول حوادث خوشایند و ناخوشایند زندگی روزمره ما هستند، پس از گذشت زمان به صورت خلق‌های مثبت و منفی ماندگار، خود را نشان می‌دهند. بر اساس پیش‌بینی محققان بین‌المللی در سال ۲۰۲۰ میلادی، اختلال افسردگی جزء شایع‌ترین اختلالات خواهد بود. به همین دلیل اغلب کشورهای توسعه یافته، برنامه‌های شادی بخش را در تمامی رفتارهای خانوادگی، شغلی و اجتماعی جوامع خود گنجانده‌اند و تلاشی روزافزون جهت کاهش تنش و آرامش اجتماعی دارند. به امید آن که کشور ما نیز از این قافله حرکت علمی، در راستای گسترش سلامت اجتماعی غافل نماند. چرا که کشور ما مثل تمام جوامعی که در مسیر تجدد قرار گرفته‌اند، حرکت دوگانه‌ای را طی کرده است. به تعبیر مارشال برمن در کتاب تجربه مدرنیته، تجدد هر جا می‌رود، خاصیت فاوستی را دارد که یک سوبه قدسی و یک سوبه شیطانی دارد یک وجه سازندگی و یک وجه ویرانگری. وقتی جامعه‌ای در مسیر تجدد قرار می‌گیرد، از یکسو

1. Frank & Simonton

2. Lang, Bradley & Cuthbert

شاهد صنعتی شدن، از خودبیگانگی، تنش‌ها و نابرابری‌ها، بحران محیط زیست، تخریب سنت و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آنها است و از سوی دیگر اشکال تازه‌ای از آزادی، رهایی، آسایش، افزایش طول عمر، گسترش بهداشت عمومی، رفاه اجتماعی، فرصت‌های زندگی و رهایی انسان از نیروهایی که طبیعت و تاریخ بر انسان تحمیل می‌کنند را فراهم می‌سازد. بنابراین تجدید به‌طور همزمان وضعیتی پارادوکسیکال را فراهم می‌کند که ویژگی مشترک آن در تجربه‌های گوناگون آن است. به عبارتی مدرنیته از سویی ویران می‌کند و از سوی دیگر می‌سازد. در ایران نیز از مشروطه به بعد این وضعیت دوگانه و پارادوکسیکال را شاهد هستیم. به همین دلیل کسانی که با مدرنیته سرستیز دارند، به نیمه خالی لیوان مراجعه می‌کنند و وجوه منفی مدرنیته را برمی‌شمارند و کسانی که موافق مدرنیته هستند، جنبه‌های مثبت آن را برجسته می‌کنند. آبراهامیان^۱ (۲۰۰۸) در تاریخ ایران مدرن عمدتاً به جنبه‌های مثبت مدرنیته مثل توسعه جاده‌ها، شکل‌گیری پارلمان، انتخابات، توسعه تکنولوژی‌های ارتباطی و سواد می‌پردازد. اما در برابر این تناقض پرسش این است که آیا ما در این مسیری که هستیم می‌توانیم به آینده امیدوار باشیم یا خیر؟ و راهکارهای تقویت امید اجتماعی در جامعه نخبگان چیست؟ امید اجتماعی انتظار مثبت افراد از آینده و در نتیجه باور به وجود ظرفیت‌های مطلوب پیشرفت در جامعه است که باور به نبود آن، ناامیدی را به دنبال خواهد داشت. ناامیدی در جامعه نیز مشارکت اجتماعی و احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی را کاهش می‌دهد و زمینه‌های آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی را فراهم می‌کند. بر همین اساس پژوهش حاضر به صورت کتابخانه‌ای و با هدف بررسی ابعاد مفهوم امید، مشارکت و نشاط اجتماعی و ارائه راهکارهای ارتقاء آن در راستای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی انجام شد.

امید

برای امید تعاریف متعددی ارائه شده است. نیرویی لازم برای زندگی پویا (نوتنی^۲، ۱۹۸۹، به نقل از بهاری، ۱۳۸۸)، حمایت اجتماعی (بلند و دارلینگتون^۳، ۲۰۰۲)؛ برقراری

1. Abrahamian

2. Nowotny

3. Bland & Darlington

ارتباط نزدیک با ارزش‌های شخصی و اهداف و توان دنبال کردن کارهای روزانه. به طور کلی امید را اساس پشتکار افراد دانسته‌اند. بر اساس نظر برخی از محققان اکثر مردم امید را به عنوان یک هیجان توصیف می‌کنند (به نقل از بهاری، ۱۳۹۰). امید حالتی شناختی است. وقتی اهداف دارای ویژگی‌های دست‌یافتنی، تحت کنترل، مهم، جامعه‌پذیر و اخلاقی باشند، امید شکل می‌گیرد (به نقل از اسنایدر، شان و لویز^۱، ۲۰۰۷). سلامت، لذت، شادی و امید از موضوعات روان‌شناسی مثبت هستند. روان‌شناسی مثبت در سطح فردی شامل ویژگی‌های شخصی مثبت، ظرفیت عاشق شدن و دوست داشتن، شجاعت، شهامت، مهارت‌های بین فردی، توانمندی‌های زیبایی‌شناسی، بخشش، گذشت، نوع دوستی و خردمندی است و در سطح گروهی شامل مسئولیت‌پذیری اجتماعی، شهروند خوب بودن، تحمل و وجدان کاری است (گیلهام و سلیگمن، ۱۹۹۹، به نقل از سلیگمن و سگزن^۲ میهالی^۳، ۲۰۰۰). معلوم شده است که بین خوش‌بینی و امید همبستگی معناداری وجود (پیترسن^۳ و سلیگمن، ۲۰۰۰). خوش‌بینی و امید با شاخص‌های آسیب‌شناسی روانی و افسردگی همبستگی منفی دارد و پیش‌بینی‌کننده شاخص‌هایی از جمله سلامت روان، خلق مثبت، توانایی شناختی و کنار آمدن مؤثر با مسائل (ارزیابی مجدد، حل مسأله، اجتناب از رویدادهای فشارزای زندگی، جستجوی حمایت اجتماعی) است. (پیترسون و سلیگمن، ۲۰۰۰؛ اسنایدر، ۲۰۰۰؛ شیر و کارور و بیرجز^۴، ۲۰۰۰). اسنایدر امید را سازه‌ای دو بعدی می‌داند. یکی توانایی طراحی گذرگاه‌هایی به سوی اهداف مطلوب با وجود موانع و دیگری توانایی ایجاد انگیزه برای شروع و تداوم حرکت در این گذرگاه‌ها (کار، ۱۹۹۰، ترجمه پاشاشریفی و همکاران، ۱۳۸۵). همان‌طور که در این تعریف مشخص است، نظریه امید اساس نظریه‌های شناختی است. به عبارتی امید فرایندی شناختی است که تبعاتی هیجانی دارد (اسنایدر، ۲۰۰۲). طبق این نظریه، امید یک هیجان انفعالی نیست که تنها در لحظه‌های تاریک زندگی پدیدار شود بلکه فرایندی شناختی است که افراد به وسیله آن به صورت فعال برای دستیابی به اهدافشان تلاش می‌کنند. از نظر اسنایدر، امید

فرایندی است که طی آن، فرد اهداف خود را تعیین می‌کند، راهکارهایی برای رسیدن به آن‌ها می‌سازد و انگیزه لازم را برای اجرای این راهکارها ایجاد و در طول مسیر حفظ می‌کند (اسنایدر، ۱۹۹۴).

راهکارهای تقویت امید

۱. مثبت‌نگری: امید نگرشی بی‌نظیر است که تنها می‌تواند در افراد مثبت‌اندیش که مشتاقانه در انتظار یک زندگی بهتر هستند ظاهر شود.
۲. دور کردن افکار منفی از خود: هر چه بیشتر افکار منفی را از خود دور کنیم زندگی غنی‌تر، رضایت‌بخش و امیدوارانه‌تر خواهد شد.
۳. افزایش معنویت: هر چه به منابع معنوی بیشتر متصل شویم محدودیت‌ها را از خود دور ساخته و امید را در خود و دیگران گسترش خواهیم داد.
۴. متجلی کردن عشق در زندگی: اکثر ناامیدی‌هایی که افراد با آن روبرو می‌شوند به دلیل آن است که در اجرای اهداف خود، به ویژه نشان دادن عشق‌شان به دیگران کوتاهی می‌کنند و به خوبی از عهده‌ی آن بر نمی‌آیند.
۵. اندیشیدن به خاطرات خوش گذشته: یادآوری خاطرات خوش گذشته منبع الهام‌بخش برای حال پر از اندوه ماست که می‌تواند ما را از فشار کنونی نجات داده و امیدواری را افزایش دهد.
۶. اندیشیدن به آنچه که داریم: سختی‌ها را بیش از آنچه هستند بزرگ نکنیم. اگر اجازه دهیم چشم‌هایمان زیبایی‌های دیگر را که در اختیار داریم ببینند، امید به آینده در ما قوت می‌گیرد.
۷. اندیشیدن به آینده: بدانیم مشکلی که هم اکنون گریبان‌گیر ماست تا ابد همراه ما نخواهد ماند. بهتر است چشم انتظار لحظه‌های روشن باشیم و به آینده خوش‌بین بیندیشیم.
۸. زانوی غم بغل نکردن: هنگام گرفتاری سعی کنیم خودمان عامل افزایش مشکلات نباشیم، تحرک و پویایی خود را از دست ندهیم و مطمئن باشیم که هنگام گرفتاری هیچ‌کس به اندازه‌ی خود ما نمی‌تواند به ما کمک کند (علاالدینی، ۱۳۸۷).

تأثیر هراس اجتماعی بر گرایش به مواد مخدر

موضوع نشاط اجتماعی به ویژه در حوزه جوانان بسیار مهم است. زیرا جوانان درصد بالایی از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده‌اند. جوانان باید احساس کنند که فضای عمومی کشور در جهت توجه به خواسته‌ها، نیازها و آرزوهای آنها حرکت می‌کند. گسترش رشته‌های دانشگاهی نظیر جامعه‌شناسی اوقات فراغت نیز به مهم‌تر شدن این مبحث کمک می‌کند. نشاط یا شادی یک وضعیت عاطفی است که احساسات مختلف (از رضایت تا اوج شادی) را در بر می‌گیرد و عامل انرژی و زنده‌دلی انسان است. سلیگمن از بنیانگذاران روان‌شناسی مثبت، از نشاط به عنوان عواطف و فعالیت‌های مثبت تعبیر می‌کند. نشاط اجتماعی در زندگی احساس خوشبختی، اعتماد متقابل، احساس تعهد و نشانه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به جهان و محیطی که فرد در آن زندگی می‌کند را در بر می‌گیرد (از کمپ، ۱۹۷۳؛ ترجمه ماهر، ۱۳۷۳). بنابراین تعریف نشاط اجتماعی یعنی شادمانی‌های فطری و طبیعی که در یک جامعه نمود پیدا می‌کند. این پدیده اجتماعی از بیرون و درون، زندگی انسان‌ها را تحت تأثیر فراوان قرار می‌دهد. نشاط اجتماعی یا شادمانی به عنوان یک پیامد مهم در احساس رضایت شغلی و خوشبختی انسان مطرح است و نه تنها زندگی شخصی بلکه جنبه‌های اجتماعی حیات ما یعنی کنش‌ها و ارتباطاتی که با دیگران برقرار می‌کنیم را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

نشاط اجتماعی حاصل عواملی است که از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر متفاوت است. این تفاوت ناشی از فرهنگ جوامع است. مقبولیت اجتماعی، امید به آینده، عدالت اجتماعی، پابندی به معتقدات دینی، بیگانگی، همبستگی و محرومیت اجتماعی از عواملی هستند که در کاهش و افزایش نشاط اجتماعی موثرند (هزار جریبی و آستین افشان، ۱۳۸۸). این عوامل را می‌توان در قالب سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی بیان کرد که در زیر به طور ضمنی به آنها اشاره می‌شود.

مقبولیت اجتماعی: مقبولیت اجتماعی بیانگر ارزش، احترام و منزلتی است که خانواده و جامعه برای یک فرد در نظر می‌گیرند.

امید به آینده: امید عبارت است از تمایلی که با انتظار وقوع مثبت همراه است. به

عبارت دیگر، ارزیابی مثبتی است از آنچه فرد تمایل دارد و می‌خواهد که به وقوع بپیوندد. طبق تحقیقات، از این مولفه به عنوان مهم‌ترین عامل در تبیین نشاط اجتماعی یاد می‌شود. عدالت اجتماعی: عدالت توزیعی در روابط اجتماعی به معنای عدالتی است که هر فرد در روابط متقابل با دیگران انتظار دارد. معمولاً پاداش و منافع خالص هر فرد با سرمایه‌گذاری وی متناسب است و هرچه سرمایه‌گذاری بیشتر، سود نیز بیشتر است. پایبندی به اعتقادات دینی: می‌توان معتقدات دینی را همچون گرایش شدید انسان‌ها به سوی خداوند، یا گرایش به نیروهای برتر به منظور تبیین علل وجودی خویش در جهان و بازیابی معنایی برای هستی دانست. دین، اعتقادات نسبت به واقعیت‌ها، مناسک، آیین‌ها و اعمال گوناگون را مشخص می‌سازد.

بیگانگی اجتماعی: از خود بیگانگی یعنی بیگانه شدن افراد با خودشان و یا با دیگران. به عبارت دیگر، از خود بیگانگی به وضعیتی گفته می‌شود که مردم در آن اختیار خود را در درباره دنیای اجتماعی از دست می‌دهند و خود را در یک محیط اجتماعی خصمانه بیگانه می‌یابند (ستوده، ۱۳۸۰).

همبستگی اجتماعی: همبستگی در «فرهنگ علوم اجتماعی» چنین تعریف شده است: «همبستگی اجتماعی احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند». همچنین همبستگی می‌تواند شامل پیوند انسانی و برادری بین انسان‌ها و یا حتی وابستگی متقابل حیات و منافع بین آن‌ها باشد.

احساس محرومیت: از اختلاف بین آنچه فرد می‌خواهد و انتظار دارد، یا آنچه به دست می‌آورد، و همچنین از مقایسه خود با دیگرانی که در شرایط او هستند، ممکن است حالتی از احساس محرومیت به فرد دست دهد (ممتاز، ۱۳۸۱).

شادی همیشه با هیجان، خنده و حرکت همراه است؛ در حالی که در نشاط، احساس بهجت و سرور لزوماً با خنده همراه نیست ولی احساسی است که موجب لذت فرد می‌شود. نشاط فقط خنده و طنز نیست، بلکه یک حس درونی است. به همین ترتیب شادی می‌تواند یک هیجان کاذب و زودگذر حتی منفی باشد در حالی که ماهیت نشاط اصیل، مثبت و با دوام است. شادی‌های کاذبی که توسط محرک‌های متفاوت مثل داروهای روان‌گردان،

موادمخدر، الکل و غیره به دست می آید کوتاه و گذرا بوده و پیامدهای اندوه و افسردگی را به دنبال خواهد داشت. لذا در اینجا صحبت از صرفاً شاد کردن جامعه با تمسک به هر ترفندی نیست بلکه منظور روش هایی است که شور و هیجان پایا و واقعی را در تمامی زیر گروه های جامعه بالا برده و باعث تحرک بیشتر و موثرتر جامعه شود. البته بعضی از انواع شادی نیز مطلوب است و یا حداقل با هنجارهای جامعه در تضاد نیست مانند به خیابان آمدن و شادی عده ای از مردم بعد از پیروزی انتخابات یا برد تیم های ورزشی مورد علاقه و یا در چهارشنبه سوری. این شادی اگر کنترل شده باشد به نشاط جامعه کمک می کند. اما باز برای افزایش نشاط جامعه باید به دنبال راهکارهایی پایا تر و پویا تر بود و در کنار این شادی های اجتماعی از ابزارهای دیگر نیز استفاده نمود. نشاط اجتماعی شرایطی است که افراد از آن احساس رضایت کرده و پویایی دارند. به عنوان مثال کسی که در حرفه خود می تواند کار مفیدی انجام بدهد و یا در کانون های فرهنگی، ادبی یا خیریه ها فعالیت می کند، به علت احساس مفید واقع شدن، نشاط واقعی پیدا می کند و از رضایت درونی بسیار بالایی بهره مند می شود.

با توجه به تمهیدات یاد شده، به نظر می رسد باید به دنبال راهکارهایی مطلوب برای ارتقاء نشاط بود. در زیر به برخی از این راهکارها اشاره می شود.

- داشتن لبخند بر لب در برخوردهای اجتماعی و دوری از عبوس بودن، اخم کردن و مکدر بودن که باعث انتقال انرژی منفی به دیگران می شود .
- استفاده از عطر و لباس های آراسته با رنگ های شاد در منزل و در جامعه متناسب با هنجارهای اجتماعی، به عنوان مثال رنگ های سنگین اما شاد برای خانم ها و آقایان وجود دارد که می تواند در محیط کار، جامعه، و خانواده استفاده کنند ولی کم توجهی به این مهم باعث گرایش افراطی به رنگ های تیره و کدر می شود.
- تقویت اعتماد به نفس، اراده و حافظه مسیر پرورش با روش های کارآمد
- پیشگیری از فشارهای روانی و ایجاد کنترل بر فشارهای روانی، کمک به بالا بردن ظرفیت تحمل پذیری و پرهیز از عصبانیت های زود هنگام
- ریشه کنی افکار و هیجان های منفی و ناآرام، به عبارتی باید تلاش کرد که مشکلات

زندگی مانند مسائل اقتصادی تمامی فکر و ذکر افراد را در تمامی لحظات زندگی اشغال نکند و افراد در حد متعادل به افکار مثبت نیز توجه داشته باشند و روحیه امید را در درون خود و با اراده خود تقویت کنند.

- فراگیری بهداشت روانی و پیشگیری از آسیب‌های فردی
- ایجاد قدرت غلبه بر ترس و ناراحتی‌های زندگی
- تقویت تعاملات اجتماعی و خانوادگی صحیح و کارآمد
- فراگیری ورزش‌های فکری و به کارگیری آن در مسیر تعلیم و تربیت
- رشد و شکوفایی استعدادها
- بکارگیری افکار مثبت و متعادل در زندگی
- پرداختن به عوامل امیدبخش و شادی‌آور مانند رضایت و تحمل، پرهیز از گناه، مبارزه با نگرانی، حضور در مجالس شادی، ورزش، سفر و تفریح، تفکر در آفریده‌های خداوند، یادگیری و اتخاذ شیوه صحیح برخورد با مشکلات، داشتن قضاوت‌های مثبت در خصوص افراد و تصویرسازی‌های مثبت از دیگر راهکارها هستند.

لازم به ذکر است که این اقدامات فردی با آموزش، تغییر هنجارهای اجتماعی و الگوسازی مقدر است. زیاد کردن لبخند بر روی چهره مردم و دور کردن اخم و یا استفاده از عطرها و بوهای خوش به صورت فردی و یا معطر نمودن محل کار و زندگی اموری نسبتاً ساده است که با کمی آموزش و الگوسازی و استفاده از رسانه‌ها قابل پیاده‌سازی است ولی طبیعی است که تنها در سایه یک برنامه‌ریزی دقیق ممکن خواهد بود. اما برای ارتقا و اصلاح، عوامل بسیاری بر ایجاد نشاط اجتماعی و امید تاثیر دارند که مهم‌ترین آن‌ها فرصت‌سازی برای توسعه اقتصادی است. در واقع مادامی که جهت تقویت شاخص‌های موثر بر رفاه عمومی مانند افزایش اشتغال، کم کردن بیکاری، تقویت امنیت شغلی، برداشتن موانع ازدواج، تامین مسکن و مواردی از این دست برنامه‌ریزی شود، می‌توان با طراحی یک نقشه راه عالمانه به اجرای برنامه‌های تاثیرگذار بر افزایش نشاط اجتماعی و سطح اعتماد مردم به کشور و نظام پرداخت (انوری حکمت، ۱۳۹۲).

سیمای امید و نشاط اجتماعی در ایران

گسترش شهرنشینی، دسترسی بیشتر به فناوری، مشغله‌های فراوان، تحمیل استرس‌های متعدد بر افراد، تعامل فرهنگی بالا و خطر تضعیف هویت فرهنگی، کاهش ارتباطات عاطفی میان مردم و افزایش اختلالات روانی، از ویژگی‌های جامعه امروزی و زندگی به اصلاح مدرن است. بعضی از جامعه‌شناسان بر این عقیده‌اند که جامعه ایرانی آن اندازه که باید و شاید شاد نیست و از نبود بسترها و زمینه‌های لازم برای ابراز شادمانی به شکل جمعی و عمومی رنج می‌برد. به عبارت دیگر در جامعه، شیوه‌های شناخته‌شده و متعارف محدودی برای شادمانی‌های همگانی وجود دارد و در برخی مواقع این شادمانی عمومی در تعارض با نظم و امنیت اجتماعی قرار می‌گیرد. افسردگی در ایران آمار نسبتاً بالایی دارد. آمار بالای مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی، زنگ خطری برای جامعه است. شادی‌های اجتماعی ما در حد ارتباط کلامی توقف کرده و از ارتباط رفتاری و احساسی واقعی خبری نیست. تفریحات فردی غیرفعال مانند رفتن به مراکز خرید، رفتن به رستوران‌ها، پاساژ گردی، تماشای تلویزیون، تمسخر دیگران و جک گفتن تا حدی جای شادی اجتماعی را گرفته است.

بر اساس مدل فرضی مفهومی، داشتن احساس محرومیت ناشی از بالاتر بودن خواسته‌ها از داشته‌ها، عدم انسجام بافت شهری، سرانه پایین فضای فرهنگی، فضای سبز و ورزشی و مشکلات اقتصادی از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که موجب کاهش نشاط در شهر می‌شوند. علاوه بر این، عوامل فردی، خانوادگی همچون فقدان سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی، دستمزد پایین و مشکلات شدید اقتصادی، کمبود وسایل تفریحی و رفاهی، ضعف در مهارت‌های ارتباطی با دیگران، انزوا و گوشه‌گیری، مشکلات خانوادگی و کاهش روابط خانوادگی و اجتماعی نیز از جمله عوامل تاثیرگذار دیگر در فقدان نشاط اجتماعی است. عوامل محیطی-اجتماعی تاثیرگذار در فقدان نشاط اجتماعی عبارتند از: بافت شهرها و محله‌ها که با استانداردهای روانی و فرهنگی در تعارض باشند، آلودگی‌های صوتی، از بین رفتن صدای طبیعت مانند صدای آب جاری یا نغمه دلنشین پرندگان و وزش باد در شاخسار درختان، تنش‌های عصبی و گلاویز شدن افراد به دلایل بسیار ساده،

رابطه امید، نشاط و مشارکت اجتماعی با اعتیاد

در داخل کشور پژوهش‌هایی که مستقیماً به ارتباط بین امید، نشاط و مشارکت اجتماعی با گرایش به اعتیاد پرداخته باشد یافت نشد. ولی در عین حال تحقیقات زیادی بر اهمیت و تأثیر این سه عامل به عنوان عوامل واسطه‌ای و محافظت‌کننده تأکید کرده‌اند. امروزه ماهیت پیچیده آسیب‌های اجتماعی به ویژه اعتیاد ایجاب می‌کند که با اتکا به یافته‌های نوین، دایره شناخت خود را گسترش دهیم. از این منظر امید، مشارکت و نشاط اجتماعی به عنوان ابزاری اساسی قابلیت و کارایی بالایی در تبیین و توضیح مسائل و مشکلات، از جمله آسیب‌های اجتماعی دارد. مرور برخی از مطالعات حاکی از آن است که میان تعیین‌کننده‌های اجتماعی سلامت مانند وضعیت اقتصادی، اشتغال و آموزش و شرایط محیط زندگی با اعتیاد ارتباط معناداری وجود دارد. در کشور ما تاکنون راهکارهای مبارزه با این پدیده خانمان‌سوز بیشتر سخت‌افزاری و مبارزه‌های نظامی و انتظامی بوده است. حال آنکه کشوری مانند ایران آن هم با توجه به فرهنگ غنی و ظرفیت‌های خاص خود نیازمند مبارزه نرم‌افزاری است که اجتماعی کردن یکی از شیوه‌های این مبارزه و راهکاری است که از خانواده و جامعه آغاز می‌شود (محمدی، ۱۳۹۶). اجتماعی کردن مسئولیت‌پذیری به معنای درونی کردن یک موضوع است که باید از خانواده شروع و در سیستم آموزشی بخشی از سرفصل‌ها شود. علاوه بر این در سطح محلات، دولتی‌ها می‌بایست سرمایه اجتماعی را در کشور در قالب افزایش امید، نشاط و مشارکت اجتماعی تقویت کنند. این تغییر نگرش و اقبال از رویکرد اجتماعی کردن پیشگیری از اعتیاد و حرکت به سمت برنامه‌های مشارکتی خود زمینه‌ساز نشاط در جامعه خواهد بود. بر اساس مبانی نظری قدر مسلم است که موتور محرکه توسعه پایدار «نشاط اجتماعی» است که از انحرافات می‌کاهد، امنیت اجتماعی را افزایش می‌دهد، همبستگی اجتماعی را زیاد می‌کند و بیگانگی با جامعه را کاهش می‌دهد (بشیرنژاد، ۱۳۹۲). فقدان روحیه نشاط و مشارکت اجتماعی، افسردگی، بدبینی، ارزیابی منفی از رویدادها، بی‌علاقگی به اجتماع و کار، کم‌رنج شدن وجدان کاری، اعتیاد به مواد مخدر، ناهنجاری‌های اجتماعی، رواج خشونت در روابط اجتماعی، طلاق و گرایش به فرهنگ بیگانه را به بار می‌آورد (خوش‌فر، جانعلی

زاده، اکبرزاده و دهقانی، ۱۳۹۲). علاوه بر این، نقش مؤثر مردم و مشارکت آن‌ها در حرکت به سمت توسعه پایدار شهری بر کسی پوشیده نیست. به گونه‌ای که برای رسیدن به الگوی توسعه پایدار، مشارکت مردم راهکار اصلی و محوری به شمار می‌رود. از منظر نظام‌مندی و کارکردی مشارکت را سازوکاری برای توسعه و تعالی نظام اجتماعی دانسته‌اند که توسعه نیافتن ساختارهای لازم برای مشارکت و نهادینه‌سازی آن به سقوط و انقراض نظام اجتماعی می‌انجامد (سلیمی، ۱۳۸۹). در واقع مشارکت، حرکتی آگاهانه، فعال، آزاد و با مسئولیت است که برای ثبات و امنیت جامعه ضروری است. این حرکت به گونه‌ای است که مردم احساس می‌کنند به جامعه تعلق دارند و در واقع گرداننده اصلی خودشان هستند. مشارکت، خوش‌بینی، نشاط و امید با شاخص‌های آسیب‌شناسی روانی و افسردگی همبستگی منفی دارد و شاخص‌های مرتبط با سلامت را پیش‌بینی می‌کند (پیترسون و سلیگمن، ۲۰۰۰؛ اسنایدر، ۲۰۰۰؛ شی‌یر و همکاران، ۲۰۰۰؛ تیلر و کمپی، ۲۰۰۰). تحقیق نشان داده است که هنگام رویارویی با موانع، افراد از مراحل روان‌شناختی خاصی می‌گذرند که در همه انسان‌ها طبق الگویی خاص ایجاد نمی‌شود. اما به طور کلی، فرد از امید به خشم و بی‌احساسی پیش می‌رود (اسنایدر، ۱۹۹۴) و بالعکس عاطفه مثبت و نشاط از طریق تقویت سیستم ایمنی در بهبود سلامت جسمانی تقویت می‌شود. در زمینه بهداشت روانی مطالعات نشان داده‌اند که عاطفه مثبت می‌تواند ابطال‌کننده عواطف منفی و خنثی‌کننده اثرات مخرب آن‌ها باشد (بارتولیک، باسو، شفت، گلاسر و تیتانیک - شفت، ۱۹۹۹).

امید و نشاط اجتماعی

بی‌احساسی یک حالت منفعل‌نباتی و نداشتن علاقه، توجه، احساس و هیجان است. از نظر اسنایدر، بی‌احساسی، فاجعه‌ای مصیبت‌بار است که در آن فرد احساس لذت و هرگونه احتمال مشترک بالقوه با دیگران را از دست می‌دهد (اسنایدر، ۲۰۰۰). در رویکرد جامعه‌شناسی، امید و نشاط علاوه بر حالتی درونی به مثابه پدیده‌ای اجتماعی در نظر گرفته

می‌شوند که مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی بر آن تاثیر می‌گذارد. پایه اصلی شادی و غم در درون انسان است اما چون انسان موجودی اجتماعی است شادی و غم او تا حد زیادی تحت تاثیر روابط با دیگران، میزان کسب موفقیت‌ها، تامین نیازها و انتظاراتش از محیط اجتماعی و حتی خدا است. نقطه مقابل این دو مقوله (امید و نشاط اجتماعی) بی تفاوتی است. بی تفاوتی از ریشه *apathai* گرفته شده و در رویکردهای مختلف تعاریف متفاوتی دارد. در روان‌شناسی، بی تفاوتی را حالتی از نبود احساس درونی، عاطفه و تعلق نداشتن به مشارکت و درگیری هیجانی به محیط تعریف کرده‌اند که در انواع خاصی از اسکیزوفرنی و افسردگی مشاهده می‌شود (سادوک و سادوک، ترجمه رضاعی، ۱۳۹۴). خیلی از صاحب‌نظران جامعه‌شناسی، بی تفاوتی را به معنای نداشتن آگاهی، انگیزه، تعهد مدنی، مسئولیت اجتماعی و عمل اجتماعی می‌دانند و آن را کناره‌گیری و عدم مشارکت اجتماعی در حد انتظار و مطلوب تفسیر کرده‌اند (مرتین، ۱۹۶۸). شیو^۱ (۲۰۱۵) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که افرادی که وابستگی به شرابخواری داشتند رتبه سلامت پایین و فشارخون بالا داشتند. گزارش شده است که افراد وابسته به سیگار رتبه سلامت پایینی داشتند و احساس ناخشنودی (حالت ناشادی) می‌کردند و به بیماری‌های قلبی - عروقی مبتلا بودند. همچنین نتایج نشان داد که افراد وابسته به سیگار، قمار و بازی‌های ویدئویی از لحاظ سلامت و نشاط در رتبه‌ی پایینی قرار داشتند.

شهاب و وست^۲ (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان "تفاوت در شادی افراد سیگاری، افراد قبلاً سیگاری و غیرسیگاری" به این نتیجه رسیدند که افرادی که قبلاً سیگاری بوده‌اند و به مدت یکسال یا بیشتر سیگار کشیدن را متوقف کرده‌اند، شادتر از افراد سیگاری بودند. واتسون^۳ (۲۰۰۰)، به نقل از بختیار نصرآبادی، عاملی و بختیار نصرآبادی، (۱۳۸۵) بیان کرده است که یکی از مباحثی که در پژوهش‌های روان‌شناسان در مورد بهره‌وری ذهنی مورد توجه قرار گرفته است بررسی تأثیرات شادی بر حالت‌های روانی دانش‌آموزان و همچنین رضایت از زندگی در بلندمدت و عدم گرایش به سمت اعتیاد است. ایروانی (۱۳۹۰) در

بررسی تاثیر برنامه‌های شادی آفرین بر کاهش افسردگی شهروندان ساکن اصفهان به این نتیجه رسید که بین سلامت روان و کاهش اضطراب با نشاط رابطه وجود دارد. نوریان نجف‌آبادی و جهانگیر (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی رابطه بین نشاط اجتماعی و سلامت روان در پیشگیری از گرایش جوانان به اعتیاد مواد مخدر" به این نتیجه رسیدند که بین سلامت روان و نشاط اجتماعی با گرایش به اعتیاد رابطه معکوس معناداری وجود دارد. عزیزی (۱۳۸۷) در پژوهش خود با عنوان "فقر اقتصادی و سوء مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در بین جوانان شهر تهران و شمیرانات" به این نتیجه رسید که فرهنگ بزهکاری، سرمایه اجتماعی و احساس ناامیدی دارای بیشترین تأثیر بر سوء مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی بودند. بزهکاری و احساس ناامیدی باعث افزایش سوء مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی و افزایش سرمایه اجتماعی باعث کاهش سوء مصرف مواد مخدر می‌شود. تاتاری، شاکری، امیریان، امیریان و احمدی (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان "بررسی ویژگی‌های علل گرایش به اعتیاد در معتادان کرمانشاه" به این نتیجه دست یافتند که در اکثر افراد نمونه، اختلال روانپزشکی مشاهده شد (افسردگی و اضطراب ۱۳/۳۳ درصد). همچنین همه گروه‌های سنی عدم دسترسی به تفریحات سالم و فقدان نشاط را علت گرایش به اعتیاد می‌دانستند. نتایج پژوهش محمدی، باباپور و فریادرس (۱۳۹۶) نشان داد که پایین بودن امید به زندگی می‌تواند موجب آمادگی بیشتر برای اعتیاد شود. حبیبی، حسین‌زاده عربانی و حسینی (۱۳۹۵) در پژوهشی روی نمونه دانش‌آموزان پایه دوم مقطع متوسطه شهر تهران به این نتیجه رسیدند که بین متغیرهای امید و رضایت از زندگی با گرایش به اعتیاد دانش‌آموزان رابطه منفی معناداری وجود دارد. همچنین دو متغیر امید و رضایت از زندگی، پیش‌بینی‌کننده گرایش به اعتیاد در دانش‌آموزان بود. بختیار نصرآبادی و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی رابطه مدارس اثربخش، شادکامی با گرایش به اعتیاد در دانش‌آموزان مقطع متوسطه" به این نتیجه رسیدند که مؤلفه‌های اثربخشی مدارس و شادکامی می‌تواند در پیشگیری از اعتیاد نقش داشته باشد. بابامیری و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه بین سبک‌های مقابله با استرس، افکار خودآیند منفی و امیدواری با شادکامی در افراد

معتاد مراجعه کننده به کلینیک‌های ترک اعتیاد شهر اهواز در سال ۱۳۹۰ نشان دادند که بین سبک‌های مقابله با استرس، افکار خودآیند منفی و امیدواری با شادکامی در افراد معتاد رابطه‌ی معناداری وجود دارد. همچنین نتایج رگرسیون نشان داد که متغیرهای ذکر شده ۴۳ درصد از واریانس شادکامی را تبیین می‌کنند. دو متغیر امیدواری و سبک مقابله‌ای مسأله‌مدار، بهترین پیش‌بین‌های شادکامی بودند. با توجه به یافته‌های این پژوهش تقویت راهبرد مقابله‌ای مسأله‌مدار و امیدواری می‌تواند با شادکامی بیشتر همراه باشد و در نتیجه احتمال ترک و بهبودی را در افراد معتاد افزایش می‌دهد.

فرارویی و همکاران (۲۰۱۳) پژوهشی با عنوان "شادی و رفتارهای سالم در دختران نوجوان ایرانی" انجام دادند. این مطالعه به منظور بررسی ارتباط شادی در دختران نوجوان با اوقات فراغت و رفتارهای سالم (یعنی رژیم غذایی و سیگار نکشیدن) انجام شد. نتایج نشان داد که شادی با فعالیت بدنی منظم، در معرض دود قرار نگرفتن، مصرف بالاتر میوه و سبزیجات و گذراندن اوقات فراغت همراه بود. تشویق کودکان و نوجوانان به اتخاذ رفتارهای سالم و صرف زمان با خانواده و داشتن یک محیط بدون دود ممکن است نه تنها آن‌ها را سالم‌تر، بلکه شادتر کند. نتایج پژوهش علی‌مرادی (۱۳۹۳) تحت عنوان "بررسی رابطه‌ی کیفیت زندگی و شادکامی با گرایش به مصرف مواد در دانشجویان دانشگاه خوارزمی تهران" نشان داد که بین عاطفه منفی با گرایش به مصرف مواد رابطه معناداری وجود دارد (به نقل از زارع شاه آبادی، مبارکی و فردوسی زاده نایینی، ۱۳۹۴).

مشارکت و نشاط اجتماعی

امروزه در تمام جوامعی که دوران مدرنیته را پشت سر گذاشته‌اند یا در حال تجربه آن هستند، پیامدهای منفی فردگرایی مانند بی‌تفاوتی اجتماعی، سبب نگرانی‌های بسیاری شده است (معدفر و صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۶). از منظر آسیب‌شناختی و دیدگاه جامعه‌شناختی، وجود جمعیتی بی‌تفاوت (یا عدم مشارکت اجتماعی) تهدیدی جدی برای جامعه است، زیرا اساس هر نظم اجتماعی را عاطفه و مشارکت تشکیل می‌دهد (محسنی تبریزی و صداقتی فرد، ۱۳۹۰). وجود یک جمعیت آگاه به منافع جامعه، مسئولیت‌پذیر اجتماعی و دارای روحیه بالای مشارکت (برای مثال در زمینه محیط زیست، اجتماعی،

سیاسی و ...) از جمله معیارهای مهم توسعه پایدار است (از کیا و غفاری، ۱۳۹۴). علاوه بر این بسیاری از ملل برای مقابله با آثار منفی تکنولوژی و صنعت (اضطراب و افسردگی و انزوا و...) به ویژه در شهرها به نوعی درصدد ایجاد یک محیط زیستی سالم، بانشاط و شاد برای شهروندان هستند زیرا نشاط، همبستگی فرد با محیط را افزایش می‌دهد. یکی از مهم‌ترین اصول در حوزه مدیریت منابع انسانی توجه به مقوله شادمانی و نشاط انسان‌ها است زیرا انسان با نشاط در اجتماع، انسانی کارا، مولد و سازنده است. طرح مساله نشاط اجتماعی در ایران تقریباً نوظهور است حال آنکه این مسئله احتیاج به مطالعات کیفی و کمی گسترده دارد. اکنون در سطح ملی مسئولین مشغول تدوین منشور نشاط اجتماعی هستند. همین امر حکایت از کمبود این مقوله در ایران است. علاوه بر این، در صورت و افزایش شاخص‌هایی همچون شادابی، امیدواری، اعتماد اجتماعی، تعالی روحی و دینی، نشاط فردی و جسمانی پیامدهای بسیار مثبتی را در جامعه خواهیم دید. مطالعات نشان می‌دهند که امروزه در کشور، شادی و نشاط کم و در پی آن بیماری‌های روانی و آسیب‌های اجتماعی رو به افزایش است. نواح، نبوی و امیر شیرزاد (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "بررسی عوامل موثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه جوانان ۱۸ سال به بالای شهر دزفول) نشان دادند که متغیرهای مستقل پایگاه اجتماعی-اقتصادی، احساس از خود بیگانگی، همدلی، عزت نفس، رضایت از زندگی، امیدواری، احساس امنیت، احساس محرومیت نسبی، فردگرایی، همبستگی اجتماعی و سرمایه اجتماعی همبستگی معناداری با بی‌تفاوتی و عدم مشارکت اجتماعی دارند. افشانی و جعفری (۱۳۹۵) در پژوهش دیگری با عنوان "بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی با امید به آینده در میان دانشجویان دانشگاه یزد" نشان دادند که بین سرمایه اجتماعی (با دو مولفه مشارکت و نشاط) و امید به آینده در دانشجویان رابطه مستقیم معناداری وجود دارد. در تحقیقی آشکار شد که عوامل بیرونی و عینی در بروز شادی تاثیرگذار است اما تاثیر عوامل ذهنی بیشتر و قوی‌تر است (به نقل از گنجی، ۱۳۸۷). افرادی که از نظر روابط و مشارکت اجتماعی مهارت بیشتری دارند و بهتر می‌توانند با مردم رابطه برقرار کنند نسبت به افرادی که از نظر مالی غنی‌تر، ولی روابط اجتماعی مطلوبی ندارند، شادمان‌تر هستند (به نقل از میرشاه جعفری، عابدی و دریکوندی،

۱۳۸۱). اخشی و گلایی (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان "مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی" به این نتیجه رسیدند که میزان نشاط اجتماعی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل در حد متوسط به بالا و میزان مشارکت اجتماعی در حد متوسط به پایین بود. در ابعاد مشارکت اجتماعی روحیه مشارکتی و در ابعاد نشاط اجتماعی بعد رضایت از خود بیشترین میانگین را در بین دانشجویان به خود اختصاص داده بود. میزان نشاط اجتماعی با مشارکت اجتماعی و ابعاد سه گانه آن دارای همبستگی مستقیم و معنی دار بود؛ ولی مشارکت و نشاط اجتماعی بر اساس جنس و وضعیت تأهل دانشجویان معنی دار نبود. دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و پزشکی با نشاط تر بوده و دانشجویان فنی در بین دانشجویان مورد مطالعه از کمترین میزان نشاط برخوردار بودند. در نهایت، تحلیل رگرسیون نشان داد که ۱۷ درصد از تغییرات متغیر نشاط اجتماعی از روی ابعاد سه گانه مشارکت اجتماعی قابل تبیین است. همچنین، وجود روحیه مشارکتی بیشترین تأثیر را در میزان نشاط اجتماعی دانشجویان دارا بوده است. بنابراین ایجاد زمینه‌های نشاط اجتماعی در بین شهروندان باعث رغبت بیشتر آنان به مشارکت، همبستگی اجتماعی، سلامت و امنیت اجتماعی می‌شود. نشاط و سلامت روانی و اجتماعی بین شهروندان باعث ارتقاء فعالیت و مشارکت بیشتر آنها در امر توسعه و آبادانی کشور می‌شود. مادامی که شهروندان ناکامی و سایر احساس‌های ناخوشایند را در شهر تجربه کنند و گسترش دهند متحمل زیان‌های متعددی خواهند شد.

امید و مشارکت اجتماعی

در حوزه فلسفه مفهوم امید اجتماعی را ریچارد رورتی مطرح کرده است. در واقع مبحث امید اجتماعی تا حدودی متأثر از دیدگاه‌های رورتی است. همچنین آرجون آپادورای انسان‌شناس برجسته هندی تبار امریکایی و استاد بلندآوازه هاروارد مفهوم ظرفیت آرزومندی^۱ را مطرح می‌کند. از نظر رورتی امید یعنی باور به اینکه در آینده چه چیز ممکن است و امید اجتماعی یعنی امید مشترک یک ملت، یعنی یک ملت به چه وجه از

1. capacity to aspire

آینده ممکن، باور دارد. وی معتقد است که برای ارزیابی میزان امید اجتماعی در یک جامعه باید دید که آن ملت چه داستان یا سناریویی برای آینده خود در نظر دارند. این داستان یا سناریو خود از دل تاریخ یک ملت و گفتگوهای جمعی مردمان آن ملت در زندگی روزمره استنباط می‌شود. زمانی می‌توان از امید اجتماعی سخن گفت که این داستان یا سناریو خوش‌بینانه باشد. خوش‌بینانگی از دید رورتی عمل‌گرایانه است و قرار نیست خوش‌بینانگی به لحاظ علمی اثبات شود، یعنی بحث این است که از دید یک ملت چه چیزی می‌تواند بهتر تلقی شود (رورتی، ۱۹۹۹).

به تعبیر آپادورایی امید زمانی شکل می‌گیرد که شرایط شناسایی امکان‌پذیر شود، یعنی وضعیتی که ما بتوانیم به گروه‌های مختلف فرصت دهیم و آن‌ها فرصت بیابند درباره خواسته‌ها، هویت، تاریخ و موقعیت اجتماعی شان امکان دیده شدن پیدا کنند. این تعبیر را اقتصاد دانی چون هرماندو دوستو در کتاب راز سرمایه می‌آورد. وی می‌گوید فقرایی پول و بدون سرمایه نیستند بلکه ظرفیت شناسایی ندارند. او با کاربست این مفهوم در کشورهای آمریکای جنوبی تحولی مهم ایجاد کرد. بنابراین مفهوم ظرفیت آرزومندی از دید آپادورایی یک موقعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که به گروه‌های فرودست فرصت شناسایی دهد. مهم‌ترین جایی که ناامیدی در یک جامعه پدید می‌آید، جلوگیری از رسمیت یافتن سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی گروه‌ها و ممانعت از ابراز وجود آنهاست که منجر به یأس اجتماعی می‌شود (به نقل از اسنایدر، ۱۹۹۴). بیکاری و عدم فعالیت اجتماعی افراد را غمگین می‌کند. به ویژه که اگر آن فعالیت با از دست دادن منبع درآمد همراه باشد (به نقل از عامری زاده، ۱۳۸۴). نتایج پژوهش نیلی، موسوی و رضازاده (۲۰۱۳) تحت عنوان "بررسی رابطه‌ی بین نشاط و نقش آن در پیشگیری از اعتیاد به منظور کمک به نظم و امنیت اجتماعی در آموزش عالی" نشان داد که شادی و مشارکت در پیشگیری از اعتیاد نقش دارد. در این پژوهش بر نقش مؤسسات آموزشی در توسعه روحیه شادی و نشاط خانواده‌ها و مؤسسات اجتماعی در پیشگیری از اعتیاد تاکید شده است. نتایج آقابخشی، صدیقی و اسکندری (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر

گرایش جوانان به سوء مصرف مواد مخدر صنعتی^۱ نشان داد که عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به مواد مخدر صنعتی به ترتیب اولویت عبارتند از: ترغیب دوستان و هم‌نوابی با آنان، سبک تسهیل کننده نهادهای اجتماعی در رواج اعتیاد، اختلال در فرآیند جامعه‌پذیری، نداشتن ابزار مناسب برای گذراندن اوقات فراغت و مشارکت در فعالیت‌های عام المنفعه، ضعف کنترل و نظارت‌ها، اعتیاد سایر اعضای خانواده، رهایی از فشارهای اجتماعی، ضعف در قدرت ابراز وجود، کنجکاوی و بی‌اطلاعی عمومی از عوارض سوء مصرف. بنابراین، با توجه به تمامی یافته‌های این پژوهش‌ها، مشخص شد که در بحث پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و به ویژه اعتیاد، توجه به مقوله‌هایی مانند امید، نشاط و مشارکت اجتماعی می‌تواند بسیار مؤثر و حائز اهمیت باشد.

عوامل مؤثر بر افزایش نشاط و امید اجتماعی

در خصوص عوامل یا مولفه‌های مؤثر در ایجاد نشاط اجتماعی می‌توان به موارد مختلفی اشاره کرد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها عبارتند: الگوهای تربیتی، تقویت هویت فرهنگی، عدم تبعیض، احساس امنیت اجتماعی و روانی، معنویت، موفقیت‌های اجتماعی، رضایت شغلی یا عدم امنیت شغلی، برنامه‌های ورزشی، کیفیت ارتباط اجتماعی مردم، مشارکت اجتماعی و شایسته سالاری. وارت^۱ (۲۰۰۱) عزت نفس را اساسی‌ترین عامل شادمانی می‌داند. تاثیر عزت نفس در ایجاد شادمانی به حدی است که برخی از صاحب‌نظران و پژوهشگران روان‌شناسی شادی، از جمله آرجیل^۲ (۲۰۰۱) آن را جزء جدایی‌ناپذیر شادمانی می‌دانند. عزت نفس احساس ارزشمندی درونی است. بدون شک توجه به نخبگان جامعه، مشارکت‌پذیری مردم و اعتماد بین فردی شهروندان در تقویت عزت نفس و به تبع آن امید اجتماعی مؤثر است.

یکی از عوامل مؤثر در ایجاد شادمانی، ایمان مذهبی است. از آن‌جا که فرد با ایمان دارای ارتباطات و اعتقادات معنوی است، کمتر احساس رهاشدگی، پوچی و تنهایی می‌کند. مایرز^۳ (۲۰۰۰) معتقد است که ایمان مذهبی تأثیر زیادی بر میزان شادمانی دارد.

ایمان مورد نظر مایرز ایمانی است که حمایت اجتماعی، هدف مندی، احساس پذیرفته شدن و امیدواری را برای فرد و جامعه به ارمغان می آورد.

ریچاردز (۲۰۰۰) سرمایه اجتماعی یا همبستگی اجتماعی را چگونگی شبکه روابط اجتماعی، دوستی‌ها، احساس کنترل شخصی، امنیت و اعتماد اجتماعی می‌داند. به عقیده‌ی وی سرمایه اجتماعی بیش از سرمایه انسانی (سطح تحصیلات، درآمد، موقعیت اجتماعی فرد و ...) بر میزان شادمانی افراد جامعه اثر می‌گذارد. بدون شک تلاش دولت در جهت تقویت اعتماد بین شهروندان، تقویت مشارکت مردمی و شبکه دوستان در قالب سازمان‌ها و سمن‌های مردم نهاد، افزایش همبستگی و اعتماد بین اقوام ایرانی، عدالت اجتماعی، توجه به اقوام، مذاهب، اقلیت‌ها و شنیدن نظرات احزاب و ترویج فرهنگ گفت‌وگو می‌تواند در تقویت سرمایه اجتماعی موثر باشد.

فعالیت‌های اوقات فراغت، فعالیت‌هایی هستند که فرد با توجه به علاقه خود و با آزادی عمل در مورد آن‌ها تصمیم‌گیری می‌کند؛ این‌گونه فعالیت‌ها حتی وقتی که فرد را از نظر جسمانی آزار می‌دهند نیز موجب شادمانی او می‌شوند. به عنوان مثال می‌توان به ورزش بوکس و دوی ماراتون اشاره کرد. تئوری انگیزش اجتماعی نشاط انگیزی فعالیت‌های اوقات فراغت را تبیین می‌کند. زیرا تمام فعالیت‌های اوقات فراغت با وجود تنوع و تفاوت‌هایی که با هم دارند، به نحوی نیازهای اجتماعی را برآورده می‌سازند. به عنوان مثال، شرکت در مسابقات ورزشی، حمایت اعضای تیم و طرفداران آن‌ها را به دنبال دارد و شرکت در کنسرت‌های موسیقی می‌تواند حمایت گروه ارکستر و علاقه‌مندان به آن موسیقی را به همراه داشته باشد. تماشای تلویزیون نیز وقتی که در کنار دوستان یا خانواده باشد، به نوعی برای فرد حمایت ایجاد می‌کند. بندورا^۱ (۱۹۷۷) شادی بخش بودن فعالیت اوقات فراغت را این‌گونه تفسیر می‌کند که وقتی افراد به این نوع فعالیت‌ها می‌پردازند، در حال انجام کاری هستند که می‌توانند آن را به خوبی انجام دهند یا لاقلاً تصور می‌کنند که توانایی انجام آن را دارند، بنابراین سعی می‌کنند هر چه بیش‌تر به این فعالیت‌ها بپردازند و نهایتاً بر میزان شادمانی آن‌ها افزوده می‌شود.

آرجیل (۱۹۹۹) معتقد است که بین درآمد و شادمانی ارتباط مثبت وجود دارد، اما پژوهش‌های وی نشان می‌دهد که این ارتباط در بین اقشار کم درآمد بیشتر است؛ یعنی درآمد تا اندازه‌ای که نیازهای مادی افراد را برطرف می‌سازد بر شادمانی تأثیر دارد، ولی درآمد بیش از حد مورد نیاز شادمانی را افزایش نمی‌دهد. وینهون^۱ (۱۹۸۸) نیز ارتباط شادمانی با سلامت را چنین بیان می‌کند که اولاً، فقدان شادمانی استرس‌زاست و استرس می‌تواند بیماری‌های خطرناکی تولید کند. ثانیاً، فرد شادمان در صورت مواجهه با یک بیماری سخت بهتر می‌تواند از پس آن برآید و ثالثاً شادمانی برای رشد روانی فرد لازم و مفید است، زیرا شادمانی به شخص کمک می‌کند که با فشارهای روانی مقابله کند.

لوپری و فرایدرس^۲ (۱۹۹۹) روند زندگی زناشویی و ارتباط آن با میزان شادمانی را به شکل (U) تصور می‌کنند. آن‌ها معتقدند که وقتی فرد تصمیم می‌گیرد ازدواج کند، شادی او افزایش می‌یابد. وقتی که ازدواج صورت می‌گیرد از شادی ایجاد شده کم می‌شود و این کاهش تا زمان رسیدن فرزندان به سن نوجوانی، ادامه می‌یابد. بعد از این دوره، شادمانی مجدداً سیر صعودی پیدا می‌کند تا به سطح اولیه خود می‌رسد.

در شرایط سخت، آموزش مهارت‌های زندگی، قناعت‌آموزی، آموزش تاب‌آوری در جهت یادگیری روش‌های موثر حل مساله و مقابله کارآمد می‌تواند تا حدودی به عنوان عامل اثربخش عمل کند.

راهکارهای عملی نشاط اجتماعی

از دیدگاه تحلیل متقابل، ساختار جامعه مانند ساختار خانواده است و ساختار خانواده نیز شبیه ساختار فرد است. در نتیجه ساختار جامعه شبیه ساختار فرد است. جامعه‌ای که شاد و امیدوار نیست مانند انسانی است که شاد و امیدوار نیست. برای اینکه بتوان در سطح جامعه میزان شادی و امید را بالا برد باید از افراد و خانواده‌ها شروع کرد. اگر افراد و خانواده‌ها شاد باشند جامعه‌ای شاد خواهیم داشت. یکی از کارکردهای امید در جامعه این است که نگاه ارتقایی به همه چیز داشته باشیم. اینکه خوب هستیم ولی می‌توانیم خوب تر باشیم، به

1. Veenhoven

2. Lupri & Freiders

همین نگاه ارتقایی ما بستگی دارد. البته این موضوع می‌طلبد که پس از مطرح کردن گفتمان نشاط در جامعه، به سمت اتخاذ سیاستی منسجم حرکت کنیم. یکی از مهم‌ترین اقدام‌ها در این زمینه استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی (ملی، قومی و دینی) است که می‌تواند این فضای شاد و دلنشین را همراه با انتقال مولفه فرهنگی فراهم کند تا ریشه‌های تعلق اجتماعی را عمیق‌تر کند. شادی و غم به عنوان دو پدیده روان‌شناختی دوروی یک سکه تصور شده و لازمه یک زندگی سالم هستند (انوری حکمت، ۱۳۹۴). موارد زیر بخشی از مجموعه راهکارهای عملی ارتقای نشاط و امید اجتماعی در جامعه است.

۱. اصلاح این ذهنیت در برخی از افراد که شادی کردن معادل بی‌بندوباری و قانون شکنی است و ترویج مظاهر صحیح شادی که با فرهنگ دینی ما همخوانی دارد، ۲. ترویج استفاده از لباس‌هایی با رنگ‌های شاد در منزل و در جامعه متناسب با هنجارهای اجتماعی و باورهای دینی، آگاه‌سازی مردم برای درک تمایز نشاط با لذات مادی و زودگذر و یا شادی‌های کاذب، ۳. با توجه به زمانبر بودن ایجاد زیرساخت‌ها، می‌بایست با استفاده از شرایط موجود، موضوع نشاط اجتماعی را از روش‌های مختلف تقویت کرد؛ راه‌هایی مانند اجرای برنامه‌های شاد فرهنگی و هنری شامل طنز، مسابقات و یا اجرای زنده موسیقی محلی در محل‌های عمومی مثل بوستان‌های بزرگ شهرها به صورت هفتگی. ۴. استفاده از هنرهای خیابانی مانند مسابقات نقاشی در خیابان‌ها و مراکز تفریحی، جشنواره طراحی نمادهای هنری با ابزارهایی ساده مانند شن و ماسه، ساخت آدم برفی در زمستان و اقدامات اجتماعی و حرکت‌های عمومی مانند پیاده‌روی‌های دسته جمعی، درختکاری به صورت وسیع، اشاعه فرهنگ پرورش گل‌های آپارتمانی، ۴. بهبود زیرساخت‌های تفریح و سرگرمی‌های سالم اجتماعی از جمله افزایش سرانه فضای سبز در شهرها و روستاها، تعریف و ایجاد مجموعه‌های فرهنگی و ورزشی در بوستان‌ها، ایجاد سینماهای روباز در محل بوستان‌های شهر، ایجاد سایت‌های کوچک ورزشی (فوتسال، تنیس روی میز، بد میتون و ...) در بوستان‌های شهر، ۶. ایجاد سینمای روباز و یا فرهنگ سرا در بوستان‌های بزرگ و شناخته شده که مورد استفاده عمومی خانواده‌ها هستند؛ در صورت وجود این مجموعه‌ها می‌توان در تمام روزها مخصوصاً روزهای

تعطیل یا ایام اعیاد (مذهبی و یا ملی) با طراحی برنامه‌های شاد فرهنگی برای اقشار و گروه‌های سنی مختلف مردم، نشاط اجتماعی را تقویت نمود، ۷. طراحی مسابقاتی با جوایز ارزنده برای جلب مردم شهرها و روستاها به مقوله ورزش‌های همگانی نظیر کوه‌پیمایی عمومی و یا پیاده‌روی عمومی، که در نتیجه آن می‌توان هم سلامت مردم را مورد توجه قرار داد و هم نشاط و امید اجتماعی را تقویت کرد. ۸. تبلیغ و ترویج قناعت و بهره‌بردن از شرایط موجود و روی آوردن به سمت طبیعت برای ایجاد تفریحات و سرگرمی‌های سالم؛ برای مثال در برخی شهرها بسیار متداول است که یک خانواده می‌تواند غذای ساده خود را بردارد و به دامن طبیعت یا پارک محل زندگی خود برود و لحظات و ساعات با نشاطی را بگذراند. ۹. ساماندهی و رونق بخشی جشن‌ها و اعیاد مذهبی مانند عید مبعث، عید قربان، عید فطر و یا عید نوروز و روز طبیعت و یا جشن‌های ملی مانند هفته دفاع مقدس، روز ملی شدن نفت و یا ایام دهه فجر و اجرای طراحی جشن‌های محله‌ای شاد و فرهنگی در مناسبت‌های ملی (مانند هفته ورزش، هفته سلامت روان، روز دانشجو، روز فرهنگ، روز درختکاری، روز قلم، روز نخبگان، اساتید و معلمان، روز خانواده و...). ۱۰. تعیین روزهای خاص عمومی مانند روز پاکسازی محیط، هفته بهسازی دیوارها و پیاده‌روها، نظافت یا روز خنده و یا هفته مبارزه با اخم و عصبانیت در طی سال برای جلب توجه مردم به مقوله نشاط. ۱۱. تقویت هویت فرهنگی در میان مردم؛ چنان که نیاکان ما به خوبی این موضوع را دریافته بودند و از هر فرصتی برای با هم شاد بودن استفاده می‌کردند و این مورد با تعاملات بیشتر و تقویت صله رحم فراهم می‌شود. ۱۲. تقویت هویت فرهنگ قومی، ملی و دینی با تدارک جشنواره غذای محلی، مسابقات محلی کشتی و یا جشنواره آیین‌های محلی. ۱۳. تقویت شبکه‌های مشارکت اجتماعی و شبکه‌های مروج نشاط اجتماعی، تشویق مردم به عضویت در انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد؛ ۱۴. امنیت اقتصادی و امنیت شغلی، سلامت اداری و شایسته‌سالاری هم می‌تواند در حوزه نشاط اجتماعی و امید اجتماعی بسیار تاثیر گذار باشد، حفظ منزلت کارکنان و تکریم ارباب رجوع در ادارات و سازمان‌ها، تاثیر بسزایی بر آرامش روانی و رضایت اجتماعی آنان دارد. ۱۵. افزایش روحیه کار و حفظ آرامش

روانی باید ابتدا در بدنه ادارات دولتی رخ دهد تا مردم به آرامش برسند. شهرداری‌ها و استانداری‌ها باید پیش قراولان این حرکت باشند. ۱۶. توجه به رعایت نظم و نظافت در ادارات و استفاده از گیاهان و رنگ‌های شاد برای با طراوت نمودن فضاهای انتظار ارباب رجوع. ۱۷. استفاده از آب نما و فضای سبز در محوطه‌های ادارات. ۱۸. پخش آیات قرآن کریم در ساعات ابتدایی روز و انتخاب نوع قرائت با توجه به حال و هوای ساعات مختلف روز. ۱۹. کاهش صداهای ناهنجار و افزایش صدای آب و موسیقی پرندگان در سطح شهرها، ۲۰. شادسازی فضای شهری و عرصه‌های عمومی، مشتمل بر ساختمان‌ها، خیابان‌ها و میداين و نمادهای شهری بانمادسازی، مجسمه‌سازی و نقاشی‌های زیبا در دیوارهای شهر، ۲۱. بعضی شهرهای دنیا با رنگ‌آمیزی شاد دیوارها، خیابان‌ها و فضای شهر را شاد کرده‌اند؛ لذا اصلاح مبلمان شهری فرسوده یا آسیب دیده، رنگ‌آمیزی شهرها و رنگ‌آمیزی هماهنگ دیوارها و پاک‌سازی آلودگی دیوارها ضروری است. ۲۲. در معماری ایرانی و معماری نواحی مختلف ایران می‌توان آثار شگرفی از هماهنگی و زیبایی را از بیرون منازل مشاهده نمود. در داخل منازل نیز این شگفتی چندین برابر می‌شود؛ سقف‌هایی با ارتفاع بلند، پنجره‌های ظریف و زیبا و حیاط‌های مملو از گیاهان که باعث آرامش روان انسان می‌شود. ۲۳. لازم است استانداردهای طراحی منازل شهروندان با توجه به معیارهای معماری بومی بازطراحی شوند. ۲۴. ترویج تولید ماشین‌هایی با رنگ‌های شاد و ترویج خرید ماشین‌هایی دارای رنگ‌های شاد؛ برای مثال از رنگ شاد برای تاکسی‌ها استفاده شود. در گذشته که تاکسی‌ها رنگ نارنجی داشتند شادتر از رنگ زرد فعلی بود. ۲۵. رسانه‌ها نباید مدام به مخاطب با خبرهای جنگ و اتفاقات ناگوار انرژی منفی وارد کنند. تکرار این موضوع شادی و نشاط را از جامعه می‌گیرد و ناامیدی را به مخاطب القاء می‌کند. رسانه‌ها باید اخبار شاد و امیدوارکننده را نیز پوشش دهند. ۲۶. رسانه‌های خارج از کشور تمایل دارند کاستی‌ها و زشتی‌ها را پررنگ‌تر نشان بدهند. در صورتی که رسانه‌های داخلی نتوانند مخاطبان را جذب کنند، جامعه به شدت تحت تاثیر برنامه‌های این رسانه‌ها قرار خواهد گرفت؛ ۲۷. برنامه‌ریزی جدی برای تولید محتوای جذاب مطابق با فرهنگ بومی و نمایش فیلم‌ها و سریال‌هایی

در ارتباط با لهجه و فرهنگ بومی هر استانی در رسانه‌های ملی، ضروری است. ۲۸. تدوین سند نشاط و امید اجتماعی برای هر استان با مشارکت و استفاده از دیدگاه‌های نخبگان آشنا با فرهنگ و هویت مردم آن استان و تصویب در کمیته تخصصی فرهنگی اجتماعی و شورای برنامه‌ریزی استان‌ها جهت ایجاد الزام اجرایی برای مشارکت تمام سازمان‌های مسئول.

تمام موارد فوق باید با توجه به این اصل مدنظر قرار گیرند که مردم نباید همواره چشم به راه اقدامات سازمان‌های دولتی برای ایجاد نشاط باشند؛ بلکه باید ظرفیت‌های محله یا جامعه برای ایجاد نشاط شناسایی و مورد بهره‌برداری قرار گیرد تا نشاط و امید اجتماعی به صورت پایدار ایجاد شود.

جامعه نخبگان و مطالبات آن

جامعه نخبگانی مطلوب، جامعه‌ای است پویا که در آن اجتماعات نخبگانی در چارچوب ارزش‌های اسلامی — ایرانی و مبتنی بر اقتضانات نظام جمهوری اسلامی ایران، فرصت رشد و شکوفایی حداکثری را بر پایه تنوع استعدادها و توانمندی‌های خود به دست آورد و ضمن حل مسائل جامعه، تدبیر امور تحول آن را دست می‌گیرد. بر همین اساس فعالیت نخبگانی، فعالیتی است آگاهانه، خلاقانه و نوآورانه با اثرگذاری محسوس بر پیشرفت کشور در حوزه‌های مختلف از قبیل علم، فناوری، هنر، ادب، فرهنگ و مدیریت با تأکید بر شناخت مسائل و مشکلات کشور. در این پژوهش منظور از نخبه و استعدادها برتر تعاریفی است که در سند راهبردی کشور در امور نخبگان ابلاغی شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد نظر است. نخبه به فردی برجسته و کارآمد اطلاق می‌شود که در خلق و گسترش علم، فناوری، هنر، ادب، فرهنگ و مدیریت کشور در چارچوب ارزش‌های اسلامی اثرگذاری بارز داشته باشد و همچنین فعالیت‌های وی بر پایه هوش، خلاقیت، انگیزه و توانمندی‌های ذاتی از یک سو و خبرگی، تخصص و توانمندی‌های اکتسابی از سوی دیگر، موجب سرعت بخشیدن به پیشرفت و اعتلای کشور شود. صاحب استعداد برتر به فردی اطلاق می‌شود که با توجه ویژه و ویژگی‌های ذاتی خود امکان رسیدن به مرحله نخبگی را داراست ولی هنوز زمینه‌های لازم برای شناسایی کامل و بروز استعدادها و ویژه

او فراهم نشده است (سند راهبردی کشور در امور نخبگان، ۱۳۹۱).

متأسفانه یکی از اسنادی که گاهاً مورد غفلت قرار گرفته است سند راهبردی در امور نخبگان است. باید تلاش شود تا حتی الامکان امور مربوط به نخبگان تمرکززدایی شود. وقتی با برخی مسئولین در خصوص لزوم و ضرورت همکاری در تحقق بخشیدن به مسیر نخبگی در جامعه و نقش اثرگذار دستگاه‌های متبوع در تکمیل زنجیره ارزش نظام نخبگانی به مذاکره می‌پردازیم، به سرعت به این حقیقت تلخ می‌رسیم که این مسئله را جزء مسائل درجه یک و راهبردی کشور نمی‌بینند و بیشتر نگاهی فرمایشی به آن دارند. البته در بهترین حالت اگر اهمیت آن را بپذیرند، باز هم در خیل عظیم کارهای روزمره شان گم خواهد شد. این در حالی است که مهم‌ترین سرمایه در فرآیند توسعه پایدار، نقش و جایگاه نخبگان و به‌طور کلی نیروهای انسانی کارآمد و فرهیخته است. پروفیسور فردریک هابینسون از دانشگاه پرینسون معتقد است که نیروهای انسانی و به‌ویژه نخبگان اساس ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهند و سرمایه و منابع طبیعی عوامل تبعی و حاشیه‌ای تری هستند. وی معتقد است دولتی که نتواند مهارت و دانش مردمانش را توسعه دهد و از آن بهره‌برداری کند، توانایی توسعه را نخواهد داشت. انسان‌ها هم هدف و هم وسیله توسعه‌اند و به جای آنکه در حاشیه توسعه باشند باید مصدر فعل و عمل قرار گیرند.

باید گفت که در کشور ما، اکنون با پدیده‌ای به نام مهاجرت نخبگان سر و کار نداریم بلکه چیزی که در حال حاضر و آینده نیز اهمیت دارد «خروج» نخبگان از چرخه خدمت به جامعه و کشور است. تفاوت واژه «مهاجرت» با «خروج» در این است که گاهی ممکن است فرد نخبه‌ای از کشور مهاجرت کند اما از چرخه خدمت به جامعه خارج نشده باشد و برعکس گاهی ممکن است فرد نخبه در داخل مرزهای کشور باشد اما در چرخه خدمت به جامعه اثرگذار نباشد که این به معنای «خروج پنهان» است. لذا در این رویکرد چیزی که اهمیت دارد خروج یا عدم خروج فیزیکی فرد از مرزهای جغرافیایی کشور نیست بلکه " خروج یا عدم خروج فرد از چرخه اثرگذاری بر جامعه و از دست دادن مشارکت، نشاط و امید اجتماعی " است. اثرگذاری از واژه «اثر» گرفته شده است که در لغت نامه دهخدا به معنای نشان، علامت، جای پا، و باقی ماندن چیزی از شخص است. لذا «اثرگذار» فردی

است که اثری از خود در جامعه بر جای بگذارد. حال سوال این است که برای کاهش ناامیدی اجتماعی فراگیر و خروج نخبگان از چرخه خدمت به کشور، چگونه می توان میزان اثرگذاری آن‌ها را بالا برد؟ یا به عبارتی عوامل موثر بر افزایش اثرگذاری نخبگان در جامعه کنونی ما کدامند؟ در تحقیقی توسط لطفی (۱۳۹۵) و با مصاحبه از تعدادی نخبگان، مهم ترین علت کشش داخلی آن‌ها «احساس مفید بودن» و «میل به اثرگذاری» بود. با توجه به نتایج این تحقیق و با توجه به راهبرد ملی سند راهبردی کشور در امور نخبگان (برنامه ریزی برای اثرگذاری اجتماع نخبگانی در جامعه)، یکی از وظایف اصلی دستگاه‌های اجرایی، زمینه سازی برای افزایش میزان اثرگذاری نخبگان در جامعه است. علاوه بر این تفاوت ظریفی میان «مفید بودن» و «احساس مفید بودن» است. «احساس مفید بودن» یک احساس روانی و حالت ذهنی است. حالتی که حاکی از رضایت فرد از وضعیت اشتغال و حوزه فعالیتش در کشور دارد. ممکن است فردی در جامعه شغلی خوب با درآمد بالا و جایگاه شغلی مناسب داشته باشد اما «احساس مفید بودن» نداشته باشد. «احساس مفید بودن» زمانی حاصل می شود که نخبگان کشورمان بتوانند نتیجه و فرایند تلاش و کارشان را مشاهده کنند. مهم این است که ما بتوانیم از یک فرد نخبه در جایگاه شایسته خودش استفاده کنیم و این فرد با تمام توانایی اش بتواند استعداد بالقوه خود را شکوفا کند و صاحب اثر باشد. این مهم زمانی رخ می دهد که تمامی دستگاه‌های اجرایی برای جذب واقعی نخبگان فعال شوند. نخبگان افراد بیکاری نیستند که بخواهیم برای آن‌ها کار ایجاد کنیم. آن‌ها به خوبی می دانند که در حوزه تخصصی خود چگونه می توانند کار کنند. کافی است به نخبگان در کنار ایجاد شغل، فضای فعالیت نیز داده شود. نخبه باید خلاقیت داشته باشد و در مجموعه‌ای که جذب می شود امکان خلاقیت و اثرگذاری برای او فراهم شود. علاوه بر این با توجه به سخن ارزشمند مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) مدیریت تحولات کشور باید در دست نخبگان دانشگاهی و حوزوی باشد (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتد و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان، ۱۳۸۵). با شناسایی عوامل موثر بر «احساس مفید بودن» نخبگان در جامعه می توان برای افزایش «اثرگذاری» و امید اجتماعی این قشر در کشور برنامه ریزی کرد. با این کار تا حد زیادی از «خروج»

نخبگان از چرخه خدمت به جامعه جلوگیری می‌شود.

آسیب‌شناسی و راهکارهای افزایش مشارکت و امید اجتماعی نخبگان

در مشارکت واقعی، افراد و نخبگان در توسعه جامعه دخیل هستند. پایه اصلی مشارکت واقعی، ایجاد فرصت برای آحاد جامعه است که به صورت تشکیلاتی بتوانند در قلمروهای مختلف وارد مشارکت شوند. این مهم می‌تواند در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد، احزاب و تشکل‌ها و گروه‌ها نمود پیدا کند. علاوه بر آن، استفاده از حداقل یک نخبه جوان به عنوان مشاور یا دستیار در استانداری‌ها، و هر دستگاه اجرایی دیگر و حوزه‌های زیرمجموعه معاونت‌های اجتماعی، سیاسی و امنیتی از مؤلفه‌های دیگر تقویت مشارکت و زنده کردن امید در قشر دانشگاهی خواهد بود. بهتر است در تمام برنامه‌های شهری و محلی از ظرفیت نخبگان و دانشجویان استفاده شود. این مهم فرصت مغتنمی برای آن شهر است که افراد بتوانند در قالب پروژه‌های کاربردی، خودشان مشکلات و مسائل را رفع کنند. اجرای برنامه درازمدت فرهنگ‌سازی در کشور و گسترش کارآفرینی دانش‌بنیان، حمایت از طرح‌ها و ایده‌های برتر دانشگاهی، پذیرش نخبگان در قالب سهمیه دکتری پژوهش محور، تقویت بدنه ارتباطی دولت و نخبگان، جلوگیری و ریشه‌یابی تمایل نخبگان به خروج از کشور و مداخله‌گری صاحب‌نظران نخبه در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، تشکیل شبکه نخبگان مهارتی و ارتباط بین صاحبان مشاغل و نخبگان مهارتی، تشکیل کارگروه‌های تخصصی و استفاده نخبگان به تناسب نوع استعدادشان شاید از مهم‌ترین خواسته‌های نخبگان و استعدادهای برتر باشد.

سوال این است که چرا از چنین امر بدیهی غفلت می‌شود؟ گزینش مدیران، مسوولان و مجریان اداره امور در مشروعیت سنتی بر اساس سنت فامیلی، قومی، قبیله‌ای، منطقه‌ای و آشنایی قبلی استوار است. در نظام‌های کاریزما تیک انتخاب مدیران بر اساس مرید و مرادی است، هر چه مدیران مادون به مسوولان مافوق ارادت بیشتری بورزند و در تملق و چاپلوسی زبده‌تر باشند، جایگاه، موقعیت و مقام بالاتری تصاحب می‌کنند و به میزان کاهش یا سلب این ارادت از دستگاه دیوانی رانده شده و مغضوب می‌شوند. حال آنکه از دیدگاه ماکس وبر در نظام‌های عقلی- قانونی یا بوروکراتیک، شایسته‌گزینی معنا و مفهوم

می یابد و نخبگان و فرهیختگان در یک فرآیند رقابتی، امکان حضور در عرصه‌های مختلف را پیدا می‌کنند (اطاعت و همکاران، ۱۳۹۲). بنابراین برخی از مدیران و مسوولان به وسیله وابستگی‌های خویشاوندی نسبی و سببی، برخی به واسطه ارادات و سرسپردگی و پاره‌ای نیز بر مبنای لیاقت جایگاه یافته‌اند و عموم نخبگان و صاحب‌نظران در عرصه‌های مختلف از این گردونه خارج هستند. با این وضعیت نباید انتظار تسریع روند توسعه را داشت. تنها راهکار، پذیرش اصل رقابت دموکراتیک است که امکان حضور نخبگان کارآمد را برای فرآیند توسعه فراهم می‌آورد.

توجه به راهکارهای اجرایی طبق سند راهبردی در امور نخبگان و تحقق آن‌ها، می‌تواند مایه امید و نشاط اجتماعی را در جامعه نخبگان و دانشگاهیان به ارمغان آورد و کشور را در مسیر توسعه پایدار قرار دهد. در زیر به برخی از این راهکارها اشاره می‌شود: گسترش تعامل سطوح مختلف حاکمیتی با کانون‌های تفکر نخبگانی به منظور مشارکت آن‌ها در امور مسئله‌شناسی دستگاه‌های اجرایی و حضور فعال نخبگان در فرایند آینده‌نگاری، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در دستگاه‌ها؛ طراحی و ایجاد ساز و کارهای قانونی و انگیزشی برای استفاده بیشتر و وسیع‌تر از نخبگان در فرایندهای علمی، آموزشی، فرهنگی و مدیریتی دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و سایر نهادهای کشور؛ گسترش فعالیت‌های کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره نخبگان و برنامه‌ریزی برای تبدیل آن‌ها به محل حضور و تعاملات فکری گسترده‌تر نخبگان و اندیشمندان؛ ایجاد ساز و کارهای تشویقی به منظور تسهیل فعالیت اجتماع نخبگانی در همه مناطق کشور به ویژه مناطق کم‌برخوردار و محروم مانند استان‌های مرزی و حاشیه‌ای و ضرورت توجه به نخبگان اقلیت‌های مذهبی و قومی؛ تمهید شرایط برای مشارکت بیشتر بخش غیردولتی در تأسیس و فعالیت مدارس، مراکز آموزشی تخصصی و نهادهای نخبه‌پرور در حوزه‌های مختلف و با روش‌ها و محتوای درسی متنوع؛ توسعه و تنوع‌بخشی به جشنواره‌ها و رقابت‌ها کشوری و استانی در زمینه‌ها و سطوح مختلف با مشارکت نهادهای تخصصی - حرفه‌ای به ویژه نهادهای حوزوی و دانشگاهی. برنامه‌ریزی برای ارتقای سطح کیفی آموزش‌های مدرسه‌ای (در همه دوره‌های تحصیلی) و دانشگاهی به منظور پرورش خلاقیت، مهارت حل مسئله؛ گسترش مراکز

آموزشی، تربیتی و پژوهشی در حوزه‌های متنوع مورد علاقه دانش‌آموزان و نخبگان؛ ارائه تسهیلات برای شکل‌گیری نهادهای مشاوره به افراد و گروه‌های نخبه و صاحبان استعدادها برتر (از جمله مشاوره‌های معتمد حقوقی، کارآفرینی و روان‌شناسی مورد تأیید)؛ برنامه‌ریزی برای ارتقای سطح دانش و مهارت معلمان و مربیان مدارس و استادان حوزه و دانشگاه برای هدایت هدفمند صاحبان استعداد برتر از طریق برنامه‌های آموزشی حرفه‌ای؛ حرفه‌آموزی و توجه به آموزش مهارتی و کاربردی مبتنی بر نیاز جامعه؛ گسترش برنامه‌های پرورش دینی و فرهنگی اجتماعی نخبگانی، حمایت از دانشجویان و دانش‌آموزان فعال در حوزه‌های مختلف علمی، اجتماعی، فناورانه، فرهنگی، قرآنی و هنری در قالب پژوهش‌کده‌های دانشجویی و پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی، انجمن‌های علمی، کانون‌های فرهنگی - هنری، کمیته‌ها و تشکل‌های نخبگانی، ارائه مناسب و جذاب دستاوردهای فعالیت‌های نخبگان با هدف ایجاد روحیه امید و انگیزه و نشان دادن فرصت و امکان انجام فعالیت‌های کلان و مؤثر در کشور؛ آشنا ساختن اجتماع نخبگانی با جاذبه‌های طبیعی، زیارتی، فرهنگی و اجتماعی کشور به منظور ارتقای خودآگاهی ملی و حس دلبستگی به میهن و همچنین افزایش آگاهی از خدمات متقابل اسلام و ایران با تأکید بر جایگاه بی‌بدیل اسلام در شکل‌دهی به هویت ایرانی و ارتقای تمدن ایرانی؛ برگزاری سالانه گردهمایی‌های استانی و کشوری نخبگان با حمایت ویژه استانداری‌ها، وزارت ورزش و جوانان و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ تکریم نخبگان و الگوسازی از آنان برای صاحبان استعدادها برتر از طریق ترویج رموز موفقیت؛ زمینه‌سازی برای هدایت گروه‌ها و فعالیت‌های نخبگانی از سوی نخبگان با استفاده از تهیه بانک اطلاعات نخبگان محلی، منطقه‌ای، استانی، ملی و بین‌المللی؛ اجرای برنامه‌های آموزشی، تشویقی و مشاوره ازدواج و گسترش و ترویج و تسهیل ازدواج مناسب به منظور تقویت بنیان خانواده در اجتماع نخبگانی و افزایش آگاهی و مهارت آنان برای تربیت، هدایت و تعامل با فرزندان خود؛ ایجاد و گسترش پارک‌های آموزشی و تقویت و ساماندهی فرایند طراحی، تولید و توزیع وسایل بازی کودکان به منظور پرورش خلاقیت و مهارت حل مسئله در کودکان امروز و نخبگان آینده با تکیه بر فرهنگ اسلامی - ایرانی و رعایت استانداردهای سلامت

و ایمنی؛ ایجاد فرصت فعالیت برای صاحبان استعداد‌های برتر و نخبگان در مناطق مختلف با ایجاد سازوکارهای حمایتی در زمینه‌های آموزشی، پژوهشی و مهارتی و نیز حمایت از توسعه فعالیت بنیادهای خیریه علمی، فرهنگی و اجتماعی و نظارت بر آنها.

بحث و نتیجه‌گیری

تعالی یک جامعه در گرو همت و حرکت مثبت عناصر تشکیل دهنده آن جامعه است. هر کدام از این عناصر باید در کنار یکدیگر، با یک هدف مشترک و به یک سمت حرکت کنند تا همچون سیلی عظیم موانع را پشت سر گذاشته و برای رسیدن به تعالی، قدرتمندانه به پیش بروند. این همسویی در جوامع اسلامی مصداق آیه کریمه "وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى" است و تبلور آن شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد (در قالب انجمن‌های علمی، کمیته‌های فرهنگی و اجتماعات نخبگانی) است. شکل‌گیری و گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد در هر جامعه‌ای می‌تواند نوید بخش رشد و شکوفایی آن جامعه در سایه مشارکت و همکاری مردم باشد و نمود این امر در کشورهای اسلامی دو چندان خواهد بود. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که رکن اصلی دوام و بقای حیات اجتماعی هر جامعه‌ای منوط به همکاری و مشارکت افراد آن است و دولت‌ها به تنهایی نمی‌توانند در برابر یک معضل و آسیبی که پدیدار می‌شود مقابله کنند و نیازمند جلب مشارکت و همکاری گسترده مردم هستند. بدون شک توجه به نخبگان جامعه به عنوان آینده‌سازان و مدیران آینده این مملکت می‌تواند در تحقق اهداف عالی نظام اسلامی و فرهنگ دینی تاثیر شایانی داشته باشد و آثار آن را می‌توان در افزایش امید و نشاط اجتماعی مشاهده کرد. شادمانی و خوشحالی از عطایای الهی است که در این باره خداوند می‌فرماید: "فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ". این نوع شادمانی که در قرآن از آن به عنوان فضیلت اخلاقی یاد شده، شادمانی به خاطر فضل و بخشش الهی است که بهترین انواع شادی‌ها محسوب می‌شود. برخی ممکن است استدلال کنند که شادی و نشاط در دین اسلام تقبیح شده است و این در حالی است که خداوند در قرآن می‌فرماید: "قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ". در این آیه نیز خداوند عالم خطاب به بنده‌اش نه تنها شادی به واسطه‌ی فضل و رحمتش را امر فرموده بلکه به وی تأکید فرموده

که: شاد باش! حضرت امام صادق (ع) نیز می‌فرمایند: "بعضی از انسان‌ها که از این دنیا می‌روند آزاد هستند، بعضی اسیرند. آزاد کسانی هستند که توانستند ظاهر و باطنشان را با شادی‌های واقعی تطبیق دهند."

تاریخ هر سرزمینی در خلق و خوی مردم آن تاثیر گذار است. کشور ما ایران در طی سال‌ها رخدادهای سخت و ناگوار زیادی را پشت سر گذاشته است و درون‌گرایی و ناامیدی در مردم کشور در مسیر تحولات اجتماعی - که برخی آن را نتیجه تورم و مسائل اقتصادی، برخی ناشی از وقوع حوادث ناگوار طبیعی و برخی ثمره تحولات تکنولوژی می‌دانند - رشد کرده است. بدون شک جنگ تحمیلی و هشت سال دفاع مقدس بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در برابر استبداد نظام شاهنشاهی، تحریم‌های نابحق کشورهای استکبار جهانی، توزیع ناعادلانه امکانات رفاهی و محرومیت در برخی استان‌های کشور، افزایش بیکاری و آسیب‌های اجتماعی تاثیر بسیاری بر خلق و خوی نسل کنونی گذاشته است و آن‌ها را محافظه کار و تاحدودی افسرده کرده است. با این حال، اکنون تمامی شهروندان و نخبگان جامعه به اهمیت نشاط و امیدواری بیش از پیش واقف شده‌اند و به دنبال راه‌هایی برای افزایش شادی و تفریح در زندگی خود هستند. البته چنانچه ضوابط شادی و نشاط جمعی شهروندان تعریف نشود، شادی‌ها تبدیل به عامل تخریب اجتماعی خواهند شد. آثار منفی شادی‌های کاذب در حوزه‌های فردی شامل اشتباه در مصادیق شادی، تبدیل شادی به عادت، زیاده‌روی در شادی، غفلت از یاد خدا، خود تخریبی، از بین رفتن وقار فردی و کاهش خرد و حریم شکنی است.

نهادهای فرهنگی اجتماعی نیز با زمانبندی مربوط به غنی‌سازی اوقات فراغت جوانان می‌توانند در کاهش اعتیاد جامعه موثر باشند و با اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی از فرجام کار، جوانان را مطلع نمایند که در این صورت به طور قطع در کاهش آمار اعتیاد تاثیر بسزایی خواهد داشت. اگر نهادهای فرهنگی، برای نشاط اجتماعی اقدامات اندیشمندی انجام دهند جامعه به سمت رشد و تعالی سوق پیدا خواهد کرد (بای، ۱۳۹۴).

در حوزه اجتماعی مواردی نظیر مزاحمت برای دیگران، تخریب معیارهای عرفی، دامن زدن به ناهنجاری‌ها، سوء استفاده افراد بدخواه و ایجاد ناامنی، می‌تواند جامعه را تهدید

کند. در حوزه فرهنگی ارزش‌های بیگانه و گاهاً ضد ارزش‌ها، بی‌توجهی به سنت‌ها، ایجاد بدعت‌ها و رواج فرهنگ و لنگاری برای جامعه اثرات منفی خواهد داشت. در حوزه اقتصادی، مصرف‌گرایی افراطی، اسراف، کاهش نوآوری، بی‌انگیزگی برای کار و فعالیت مفید می‌تواند باعث کاهش مشارکت مردم در امور حیاتی و جدی جامعه شود. امید است با بکارگیری هر چه بیشتر بیانات رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، در مسیر راستین امام و شهدا گام برداریم و در راه تعالی کشور عزیزمان کوشا باشیم و بتوانیم با ارتقای امید اجتماعی نخبگان، افزایش نشاط در جامعه و فراهم کردن زمینه‌های مشارکت تمامی شهروندان و اقشار، ایران اسلامی را در مسیر توسعه و پیشرفت قرار دهیم.

منابع

اخشی، نازیلا و گلایی فاطمه (۱۳۹۴). مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳(۲۶)، ۱۶۰-۱۳۹

از کمب، استوارت (۱۹۹۳). *روان‌شناسی اجتماعی کاربردی*، ترجمه فرهاد ماهر (۱۳۷۳). مشهد: نشر آستان قدس رضوی.

از کیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: نشر کیهان.

اطاعت، محمد جواد؛ سریع القلم، محمود؛ دژپسند، فرهاد؛ دینی ترکمانی، علی؛ صرافی، مظفر؛ محمودی، وحید (۱۳۹۲). *مبانی توسعه پایدار در ایران*. تهران: نشر علم.

افشانی، سید علیرضا و جعفری، زینب (۱۳۹۵). رابطه سرمایه اجتماعی و امید به آینده در بین دانشجویان دانشگاه یزد، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۲۳(۷۳)، ۹۲-۱۱۵.

آقابخشی، حبیب‌الله؛ صدیقی، علی و اسکندری، محمد (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به سوء مصرف مواد مخدر صنعتی، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، ۲(۴)، ۷۱-۸۷.

انوری حکمت، سمیه (۱۳۹۴). راهکارهای ارتقای نشاط اجتماعی و نقش نهادها در استان کرمان، *خبرنامه اتاق فکر دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشت درمانی کرمان*، ۵(۶۰)، ۱-۲۲.

ایروانی، محمد رضا (۱۳۹۰). تاثیر برنامه‌های شادی آفرین بر کاهش افسردگی شهروندان ساکن اصفهان، *مجله مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۱۴(۴۷)، ۸۳-۶۴.

بابامیری، محمد؛ وطن خواه، محمد؛ معصومی جهاندیزی، حسین؛ نعمتی، مرضیه و درویشی، مهسا (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین سبک‌های مقابله با استرس، افکار خودآیند منفی و امیدواری با

شادکامی در افراد مراجعه کننده به کلینیک های ترک اعتیاد شهر اهواز در ۱۳۹۰، *مجله علمی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی زنجان*، ۲۱(۸۴)، ۸۲-۹۱.

بختیار نصرآبادی، حسینعلی؛ عاملی، جبل و بختیار نصرآبادی، احمد (۱۳۸۵). بررسی رابطه مدارس اثربخش و شادکامی در پیشگیری از اعتیاد، مجموعه مقالات منتخب ۳۰ کنگره استانی پیشگیری اولیه از اعتیاد، اداره کل فرهنگی و پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر با همکاری مرکز مشاوره دانشجویی، دانشگاه تهران، ۱۲۱-۱۱۱.

بشیرنژاد، میثم (۱۳۹۲). جامعه‌ای که نشاط ندارد هیچ چیز ندارد، مجله مدیریت ارتباطات اجتماعی: تحلیلی، آموزشی و اطلاع‌رسانی، ۴(۳۴ و ۳۵)، ۶۵-۶۳.

بهاری، فرشاد (۱۳۸۸). مقایسه تأثیر مشاوره زناشویی متمرکز بر امید و مدل ترکیبی بخشودگی و امید بر تحریف‌های شناختی بین فردی و تعارضات زناشویی زوج‌های مراجع به مراکز مشاوره شهر اصفهان، پایان‌نامه دکتری گروه مشاوره، اصفهان، چاپ‌نشده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان.

بهاری، فرشاد (۱۳۹۰). مبانی امید و امید درمانی (راهنمای امید آفرینی). تهران: نشر دانژه.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتد و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان، (۱۳۸۵). به نقل از سایت پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری به آدرس <http://www.leader.ir/fa/speech/2964>

بای، جعفر (۱۳۹۴). برخی از راه‌های کاهش آمار اعتیاد در جامعه چیست؟ به نقل سایت ستاد مبارزه با مواد مخدر به آدرس

http://www.dchq.ir/index.php?option=com_content&view=category&layout=blog&id=90&Itemid=5265&limitstart=8850

تاتاری، فائزه؛ شاکری، جلال؛ امیریان، مرضیه؛ امیریان، فرهاد و احمدی پور، منیره (۱۳۸۵). بررسی ویژگی‌های اپیدمیولوژیک علل گرایش به اعتیاد در معنادرین کرمانشاه، مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمان، ۱۳(۲)، ۶۳-۵۳.

حبیبی، یوسف؛ منیژه حسین زاده عربانی و سید حسین حسینی (۱۳۹۵). پیش‌بینی گرایش به اعتیاد دانش‌آموزان بر اساس امید به زندگی و رضایت از زندگی، مجموعه مقالات سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در علوم انسانی

خوش‌فر، غلامرضا؛ جانعلی زاده، حیدر؛ اکبرزاده، فاطمه و دهقانی، حمید (۱۳۹۲). تأثیر سرمایه اجتماعی بر شادی جوانان شهر بابلسر، نشریه رفاه اجتماعی، ۱۳(۵۱)، ۳۱۴-۲۸۳.

زارع‌شاه آبادی، اکبر؛ مبارکی، محمد و فردوسی زاده نائینی، الهه (۱۳۹۴). تحلیل رابطه بین نشاط اجتماعی و گرایش به اعتیاد (در بین جوانان ۱۳-۱۸ ساله شهر یزد)، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۴(۶)، ۱۷۴-۱۴۵.

سادوک، ویرجینیا و سادوک، بنجامین جیمز (۲۰۱۵). خلاصه روان‌پزشکی در علوم رفتاری، ترجمه فرزین رضاعی (۱۳۹۴)، تهران: انتشارات ارجمند.

ستوده، هدایت اله (۱۳۸۰). آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: نشر آوای نور.
سلیمی، فاطمه (۱۳۸۹). مشارکت اجتماعی در مدرسه، نشریه رشد آموزش علوم اجتماعی، ۱۳(۳)، ۶۳-۵۸.

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۱). سند راهبردی کشور در امور نخبگان، مصوب بنیاد ملی نخبگان.
عامری زاده، سید محسن (۱۳۸۴). مقایسه اثربخشی روش‌های شادی بخش بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۴-۸۳، طرح دفتر پژوهش سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان.

عزیزی، جلیل (۱۳۸۷). فقر اقتصادی و سوء مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در بین جوانان شهر تهران و شمیرانات، مجله رفاه اجتماعی، ۷(۲۹)، ۷۱-۹۰.

علاء‌الدینی، زهره (۱۳۸۷). بررسی اثربخشی امید درمانی گروهی بر افسردگی دانشجویان دانشگاه اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه روان‌شناسی، چاپ نشده، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان.

کار، آلن (۱۹۹۰). روانشناسی مثبت، ترجمه حسن پاشا شریفی، جعفر نجفی و باقر ثنائی (۱۳۸۵). تهران: انتشارات سخن.

گنجی، محمد (۱۳۸۷). تحلیلی بر عوامل جامعه‌شناختی موثر بر میزان احساس شادی سرپرستان خانوار شهر اصفهان. پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، چاپ نشده، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان.

لطفی، بهنام (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل عوامل موثر بر مهاجرت نخبگان. طرح پژوهشی بنیاد ملی نخبگان: تهران.

محسنی تبریزی، علیرضا؛ صدقاتی فرد، مجتبی (۱۳۹۰). پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۲(۳)، ۱-۲۲.

محمدی، شهناز؛ بابا پور، تینا و فریادرس، هادی (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین گرایش به اعتیاد، امید به زندگی و احساس تنهایی در بین دانشجویان پسر دانشگاه خوارزمی، مجله پژوهش و مطالعات: پایگاه پیشگیری نوین، ۲(۱)، ۱-۸.

محمدی، علی (۱۳۹۶). پیشگیری از اعتیاد با رویکرد اجتماعی کردن مبارزه با مواد مخدر و بهره‌مندی از ظرفیت سازمان‌های مردمی، مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، ۲(۱۱)، ۸۵-۱۰۰.

- معیدفر، سعید و صبوری خسروشاهی، حبیب (۱۳۸۶). بررسی میزان فردگرایی فرزندان در خانواده، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، ۴(۴)، ۹۳-۱۱۰.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱). *انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*. تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.
- میر شاه جعفری، سید ابراهیم؛ عابدی، محمدرضا و دریکوندی، هدایت اله (۱۳۸۱). شادمانی و عوامل موثر بر آن، *مجله تازه‌های علوم شناختی*، ۴(۳)، ۵۸-۵۰.
- نواح، عبدالرضا؛ نبوی، عبدالحسین و امیرشیرزاد، نرگس (۱۳۹۳). بررسی عوامل موثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر دزفول)، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۵(۳)، ۱۶۱-۱۳۲.
- نوریان نجف آبادی، محمد و جهانگیر، نرجس (۱۳۹۵). *رابطه بین نشاط اجتماعی و سلامت روان در پیشگیری از گرایش جوانان به اعتیاد مواد مخدر*، مجموعه مقالات همایش ملی پیشگیری از اعتیاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهین شهر، ۴۳-۳۳.
- هزار جریبی، جعفر و آستین افشان، پروانه (۱۳۸۸). بررسی عوامل موثر بر نشاط اجتماعی با تاکید بر استان تهران، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان*، ۲۰(۱)، ۱۴۶-۱۱۹.
- Abrahamian, E. (2008). *A History of Modern Iran*, Cambridge University Press
- Argyle, M. (2001). *Personality, self – esteem and demographic predictions of happiness and depression*. In H.Cheng & A. Farnham (Eds.), *The Psychology of happiness*.
- Bandura, A. (1977). Self – efficacy: Toward a unifying theory of behavioral change. *Psychological Review*, 84, 191-215
- Bartolic, E. I., Basso, M. R., Schefft, B. K., Glauser, T., & Titanic-Schefft, M. (1999). Effects of experimentally-induced emotional states on frontal bobs cognitive task performance. *Neuropsychology*, 37(6), 677-683.
- Fararouei, M., Brown, I. J., Akbartabar Toori, M., Estakhrian Haghghi, R, and jafari, J. (2013), Happiness and health behaviour in Iranian adolescent girls. *Journal of Adolescence* 36, 1187-1192.
- Lang, P. J., Bradley, M. M., & Cuthbert, B. N. (2008). *International affective picture system (IAPS): Affective ratings of pictures and instruction manual*. Technical Report A-8, Gainesville, FL: University of Florida
- Lupri, E., Freideres, J. (1999). *Happiness: What studies on twins show us about nature and happiness set point?* New York. NY: Golden Books.
- Merton, R. K. (1968). *Social Theory and Social Structure*, New York: Free press.
- Myers, D. G. (2000). *The funds, friends, and faith of happy people*. *American Psychologist*, 55(1), 56-67
- Nili, M., Mousavi, S. and Rezazade, S. H. (2013), Relationship between vitality of the role in the prevention of addiction in order to facilitate the social order and security in higher education. *World of Sciences Journal*, 10, 62-70.
- Peterson, C. & Seligman, M. (2000). Values in Action (VIA) classification of strength <http://www.positivepsychology.org/taxonomy.htm>.

- Rorty, R. (1999). *Philosophy and social Hope*, United States: Penguin Group.
- Scheier, M., Carver, C. & Bridges, M. (2000). Optimism, pessimism and psychological well-being. In E. Chang (ed.), *optimism and pessimism: Theory, Research and Practice*. Washington, DC: *American Psychology Association*, 23(3), 433-470.
- Seligman, M. E. P., & Ciskszentmihalyi, M. (2000). Positive psychology: An introduction. *American Psychologist*, 55(1), 5-14.
- Shahab, L. and West, R. (2012), Differences in happiness between smokers, ex-smokers and never smokers: cross-sectional findings from a national household survey. *Drug and Alcohol Dependence*, 121(1-2), 38-44.
- Shiue, I. (2015). Self and environmental exposures to drinking, smoking, gambling or video game addiction are associated with adult hypertension, heart and cerebrovascular diseases, allergy, self-rated health and happiness: Japanese general social Survey. *International journal of cardiology*, 181, 403-412.
- Snyder, C. R. (1994). *The Psychology of Hope You Can Get There from Here*. New York, NY Free Press.
- Snyder, C. R. (2002). Hope Theory: Rainbows in the Mind. *Psychological Inquiry*, 13(4), 249-275.
- Snyder, C. R. Shane J. Lopez. (2007). *Positive Psychology the Scientific and Practical Explorations of Human Strengths*, Sage Publications LTD, London.
- Taylor, S., Kemeny, M., Reed, G. M., Bower, J. E., Gruenewald, T. L. (2000). Psychological resources, Positive illusions and health. *American Psychologists*, 55(1), 99-109.
- Veenhoven, R. (1988). The utility of happiness. *Social Indicators Research*, 20(4), 254-333.
- Wart, P. J. (2001). *What determines happiness?* <http://Vanderbilt owc. Well source. Com Idh/ content – print. Asp? ID=290>.
- Wilson, W. (1967). Correlates of avowed happiness. *Psychological Bulletin*, 67(4), 294-306.